

مطالعه تطبیقی موازین حاکم بر سیاستگذاری اشتغال و حمایت از سرمایه گذاری داخلی در پرتو قوانین اساسی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری هند (نقش مدیریت در ماهیت و جایگاه سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی)

یاور نجد رشیدی^۱

نصرت الله فلسفی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۰ تاریخ چاپ: ۱۴۰۱/۰۹/۲۹

چکیده

مقوله سیاستگذاری در عرصه اشتغال و رفع بیکاری که به عنوان یک پدیده مخرب اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی همواره از دغدغه های اساسی برنامه ریزان می باشد. امروزه در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، بیکاری یکی از مهمترین مسائل اجتماعی است که پیامدهای مختلفی را در زمینه های مختلف به دنبال دارد؛ به طوریکه در سال های اخیر، بویژه در حال حاضر، اقتصاد ایران علاوه بر معضل بیکاری، گریبان گیر پیامدهای آن و مشکلاتی نظیر ناامنی، انبوهی از فارغ التحصیلان بیکار، فقر و ناهنجاری های روانی، بزهکاری و مهاجرت و ... می باشد. موضوع اصلی سیاستگذاری در عرصه اشتغال انسان می باشد. این پژوهش بر آن است که به این سؤال اساسی پاسخ دهد مناسبات و موازین حاکم بر سیاستگذاری اشتغال و حمایت از سرمایه گذاری داخلی در دو کشور ایران و هند کدام است؟ بنابراین هدف اصلی و محوری این پژوهش، بررسی مناسبات و موازین حاکم بر سیاستگذاری اشتغال و حمایت از سرمایه گذاری داخلی می باشد. این مقاله ضمن بررسی موانع موجود در عرصه سیاستگذاری اشتغال و حمایت از سرمایه گذاران داخلی به بررسی برنامه های قبل و بعد از انقلاب و همچنین تطبیق آن با اقدامات انجام گرفته با کشور هند پرداخته و در پایان با ارائه نتیجه گیری، پیشنهادات اساسی را ارائه می نماید.

واژگان کلیدی

سیاست های اشتغال زایی، حمایت از سرمایه گذاری، اصل ۴۴ قانون اساسی، اقتصاد مقاومتی، توسعه اقتصادی و مشوق های سرمایه گذاری هند

۱. فارغ التحصیل کارشناسی ارشد حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد صفادشت، صفادشت، ایران. yavar.najd.rashidi@gmail.com

۲. استاد مدعو دانشگاه آزاد اسلامی واحد صفادشت، صفادشت، ایران. Nosratollahfalsafi@gmail.com

مقدمه

یکی از راهکارهای اساسی در زمینه حمایت از کار و سرمایه ایرانی توجه به قوانین مصوب و راهکارهای اجرایی آن و درضمن بررسی تطبیقی با کشورهای دیگر است که در این عرصه موفق عمل نموده‌اند، می‌باشد. با توجه به اهمیت مقوله سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال و سیاست‌های مرتبط با آن که با امنیت کلان کشور در ارتباط می‌باشد قوانینی، از جمله قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی مصوب سال ۱۳۸۱ مجلس شورای اسلامی، قوانین توسعه بیست ساله کشور و همچنین از همه مهمتر ابلاغ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در سال ۱۳۹۲ را می‌توان نام برد. افزایش سهم بخش غیردولتی در اقتصاد کشور با رویکرد گسترش مالکیت، ارتقاء کارآیی بنگاه‌های اقتصادی و بهره‌وری منابع مادی و انسانی و فناوری رقابت پذیری در اقتصاد ملی، کاهش بار مالی و مدیریت دولتی در تصدی فعالیت‌های اقتصادی، افزایش سطح عمومی اشتغال و تشویق مردم به پس انداز و سرمایه‌گذاری و بهبود درآمد آنها، هدف غایی سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی است که از دو روش تقویت زمینه‌های سرمایه‌گذاری بخش غیر دولتی با ثابت نگه داشتن سهم بخش دولتی و همچنین از طریق واگذاری سهم دولت از اقتصاد به این بخش، باید محقق شود. شرایط فعلی کشور ایران از لحاظ اقتصادی شرایط ویژه‌ای است. تحریم‌های بین‌المللی و محدودیت‌های مبادلات بین‌المللی توجه به اهمیت تولیدات داخلی را در شرایطی ایجاب می‌کند که محصولات تولید شده در داخل قابلیت رقابت با مشابه خارجی را داشته باشند. یکی از راهکارهای گره گشا که در این زمینه می‌توان نام برد استفاده از سرمایه‌گذاری خارجی به عنوان مکمل سرمایه‌گذاری داخلی جهت تولید کالا است. ایران نیز به عنوان یکی از کشورهای سرمایه پذیر خصوصاً در حوزه نفت و گاز، اولین قانون حمایتی خود را با عنوان (قانون راجع به جلب و حمایت سرمایه خارجی) در سال ۱۳۳۴ به تصویب رساند. قانونی که در سال ۱۳۸۱ و با تصویب (قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی)، عملاً منسوخ گردید. سرمایه‌گذاری خارجی نه تنها مغایر استقلال و عزت جامعه نیست، بلکه می‌تواند از طریق فواید و مزایایی که برای اقتصاد کشور فراهم می‌سازد میزان تولید و اشتغال کشور را افزایش دهد و در نتیجه از طریق افزایش رفاه مردم در ارتقاء سطح زندگی آنها موثر واقع شود. البته باید توجه داشت که سرمایه‌گذاری خارجی زمانی مفید خواهد بود که یا به عنوان مکمل سرمایه‌گذاری داخلی باشد یا طبق ارزیابی‌های خود اشتغال به همراه داشته باشد. برای تحرک در تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی و ایجاد اشتغال پایدار که در واقع ادامه جهاد اقتصادی و مسیری مناسب برای خود کفایی ملی خواهد بود، دستیابی به این اهداف نیازمند حمایت دولت و در اصل همکاری قوا برای نیل به آن می‌باشد.

از این رو رهبری معظم انقلاب با توجه به شرایط حساس تاریخی از یک سو و اهداف متعالی کشور از سوی دیگر تحقق اقتصاد مقاومتی را به عنوان تنها راه پیشبرد اهداف کشور معرفی نموده‌اند و همواره حرکت در مسیر تحقق الگوی اقتصاد مقاومتی در کشور را وظیفه‌ی آحاد مردم و مسولان دانسته‌اند. در ضمن با نگاهی گذرا به کشور هند به این نکته دست پیدا می‌کنیم که آنها چگونه با ایجاد تحول در حوزه اقتصاد و اعمال دگرگونی در سیاست داخلی و سیاست خارجی خویش توانسته‌اند به رشد و توسعه اقتصادی چشمگیری دست پیدا کنند و در رده قدرت‌های جهانی قرار گیرند که این مهم هرگز، محقق نمی‌شد جزء با اصلاحات اساسی در قوانین داخلی و خارجی که برای نمونه می‌توان به توسعه کشاورزی، توسعه صنایع، توسعه سیستم فدرالی حکومت، توسعه صنایع کوچک و دستی و اتخاذ استراتژی در سیاست خارجی و... در آن کشور اشاره کرد. این پژوهش در صدد پاسخگویی به این سؤال است که توسعه اقتصادی در هند بر چه مبانی و ساختارهایی استوار است و سیاستمداران هندی چگونه و با استفاده از چه نوع برنامه ریزی اقتصادی توانسته

اندزمینه رشد و توسعه اقتصادی و به همراه آن توسعه اشتغال را فراهم نمایند و جزء کشورهای نوظهور اقتصادی گردند و در این زمینه کشور ایران باید دست به چه اقدامات عملی و اجرایی بزند تا بتواند با توجه به قوانین موجود و بویژه سیاست‌های اقتصاد مقاومتی به رشد و توسعه در زمینه اقتصادی و اشتغال و رسیدن به اهداف سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ دست یابد.

تحلیل برنامه‌ها، قوانین و سیاست‌های اشتغالزایی اقتصاد ایران

مطالعات نظری و تجربی نشان می‌دهد که سرمایه، نقش مهمی در رشد و توسعه اقتصادی دارد. افزایش حجم سرمایه، هم بطور مستقیم به عنوان یکی از عوامل تولید و هم از راه افزایش بهره‌وری عوامل دیگر، باعث بالا رفتن اشتغال، تولید و رفاه جامعه می‌شود. سرمایه این قابلیت را دارد که در ترکیب بهینه با نیروی کار و فناوری، بخش تولید را به حرکت درآورد و با رونق تجارت، زمینه‌های بهبود سطح زندگی افراد و رشد اقتصادی را فراهم آورد. فقدان سرمایه یکی از علل اصلی گرفتار شدن بسیاری از کشورها در دور باطل فقر و توسعه نیافتگی شناخته شده، علاوه بر آنکه بیکاری گسترده‌ای را به دنبال دارد، باعث عقب ماندگی سطح تولید ملی می‌شود و در نهایت به فقر اقتصادی می‌انجامد. جامعه در صورتی مسیر پیشرفت و تعالی را می‌پیماید که در ابعاد گوناگون اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی برنامه و سیاست مدون منسجم و منطقی داشته باشد. سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... هر یک در جای خود بر روند رشد سرمایه گذاری تأثیر مثبت یا منفی دارند. افزایش سرمایه‌گذاری باعث کاهش آمار فقر، بیکاری، اعتیاد، طلاق و بسیاری از معضلات اجتماعی می‌گردد که ریشه‌های بزهکاری و از عوامل آن محسوب می‌شوند. سرمایه‌گذار هنگام تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری، به دو اطمینان نیاز دارد: اول، اطمینان از سود آوری و دوم، اطمینان از اینکه تعرض سیاسی، نظامی، حقوقی، فرهنگی و ... نسبت به سرمایه او صورت نمی‌گیرد. در پرتو این امنیت است که سرمایه‌ها مسیر درست خود را می‌پیمایند و جذب بازار کار و تولید می‌گردند و افراد جامعه با یافتن شغل مناسب از راه درست و مشروع، نیازمندی‌های خود را تأمین می‌کنند؛ ولی اگر این سیستم در جامعه ناامن گردد و نظم اقتصادی در جامعه فرو ریزد، آثار زیانباری بروز خواهد کرد. سرمایه‌گذار به آن نوع از سرمایه‌گذاری اقدام خواهد کرد که نرخ بازدهی بسیار بالا داشته باشد تا بتواند هزینه وقوع وقایع پیش‌بینی نشده را از محل بازدهی بالای خود بپردازد و در عین حال، از رشد مثبتی نیز برخوردار باشد. بر این اساس، شرط لازم برای تحقق سرمایه‌گذاری، تأمین امنیت در همه شئون مرتبط با آن است. به رغم این ضرورت، شواهد نشان می‌دهد که گاهی سرمایه‌گذاران ایرانی داخل کشور را بستر مناسبی برای بکار انداختن سرمایه‌های خود تشخیص نمی‌دهند و فرصت‌های دیگر را برای سرمایه‌گذاری در داخل مقدم می‌دارند. داشتن سیاست‌های پویا برای سرمایه‌گذاری، سهم عمده‌ای در رشد اقتصادی کشورها دارد. سرمایه‌گذاری بیشتر باعث می‌شود زیر ساخت تکنولوژیکی و افزایش بهره‌وری چه در سرمایه‌های فیزیکی و چه در سرمایه‌های انسانی امکان‌پذیر شود. آمار نشان می‌دهد با احتساب قیمت‌های جاری در هفتاد سال اخیر، به‌طور میانگین فقط حدود دوازده درصد از تولید ناخالص داخلی واقعی کشور به سرمایه‌گذاری اختصاص یافته است.

ضرورت امنیت اقتصادی و سیاسی به عنوان مهمترین پیش‌نیاز سرمایه‌گذاری:

امنیت اقتصادی و سیاسی مهم‌ترین پیش‌نیازهای توسعه سرمایه‌گذاری‌اند که دولت‌ها باید مورد توجه قرار دهند تا میل و رغبت سرمایه‌گذاران را به سرمایه‌گذاری افزایش دهند. این دو ضرورت به اجمال مورد اشاره قرار گرفته است.

امنیت اقتصادی: سرمایه، یکی از مهمترین نهاده‌های تولید است و ماهیتی تهدیدپذیر و در نتیجه سریعاً آسیب‌پذیر دارد. هنگامی که ناامنی و بی‌ثباتی مثلاً در زمان انقلاب و یا آشوب و جنگ بر کشوری حاکم شده، یا به لحاظ سیاست‌گذاری نادرست، سرمایه مورد بی‌توجهی دولت قرار گرفته، امنیت سرمایه‌گذاری دچار اختلال گردیده و سرمایه‌گذاری به شدت کاهش یافته است. سرمایه و سرمایه‌گذار برای آغاز کار و فعالیت و اعتماد نسبت به برخورداری از نتیجه زحمات و کار و کوشش خود فضایی مناسب نیازمندند. چنان‌چه گروه‌های سرمایه‌گذار نسبت به برخورداری از نتیجه کار خود دچار تردید شوند، طبیعتاً کشورها و جوامع امن‌تری نقل مکان خواهند کرد. در صورتیکه سیستم اقتصادی به صورت صحیح و منطقی طراحی شود، ریسک سرمایه‌گذاری کمتر می‌شود که در این صورت، ریسک کمتر به عوامل برون‌زا تعلق می‌یابد و بیشتر متوجه عوامل درون‌زا (روش سرمایه‌گذاری) می‌گردد. دولت‌هایی که توانسته‌اند کیفیت امنیت اقتصادی را در کشور خود به سرمایه ملی تبدیل کنند، باعث سهولت باعث جذب سرمایه‌گذاری شده‌اند. مؤسسات مزبور زمانی حضور امنیت در جمهوری اسلامی ایران را تأیید خواهند کرد که عناصری که به زعم آنها باعث ناامنی در اقتصاد ایران شده است، از میان برود. عوامل اقتصادی رکود سرمایه‌گذاری شامل مواردی مانند ساختار دولتی دارای زمینه برای رانت‌گرایی، سیاست‌های حمایتی تبعیض آمیز و سیاسی شدن مدیریت اقتصادی، عدم تعریف روشن جایگاه بنگاه‌های اقتصادی در کشور است که عموماً به اعطای امتیازات انحصاری، پرداخت ناعادلانه حقوق و دستمزد و عدم کنترل قیمت منجر می‌گردد.

امنیت سیاسی، لازمه امنیت اقتصادی: امنیت اقتصادی بدون امنیت سیاسی قابل تحقق نیست. در درجه اول باید باید امنیت سیاسی وجود داشته باشد تا در سایه در آن، امنیت اقتصادی نیز بتواند بوجود آید و ادامه حیات دهد. هر چند امنیت سیاسی در یک جامعه بیشتر باشد، امنیت اقتصادی در درجه بالاتری قرار دارد. بی‌ثباتی و عدم امنیت اقتصادی نیز گرایش به سوی منافع کوتاه مدت اقتصادی را شدت می‌بخشد و در این شرایط دیگر کسی به فکر آن نیست که کالایی را تولید و یا وارد کند که دوام بیشتری داشته باشد تا به جلب اعتماد مصرف کنندگان برای تولیدات و یا واردات آینده بیانجامد؛ نتیجه این امر از دست دادن مشتریان و بازگشت به رکودی است که از عدم اعتماد مصرف کنندگان به عملکرد آنان ناشی شده است

برخی سیاست‌های اقتصادی مرتبط با سرمایه‌گذاری داخلی

تنظیم سیاست‌های اقتصادی در جهت فقر زدایی، رفع بیکاری یا کاهش فاصله طبقاتی و مانند آن و رفع موانع سرمایه‌گذاری گاهی تأثیر مثبت یا منفی بر سرمایه‌گذاری دارد که در اینجا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

احترام به مالکیت خصوصی: دیدگاه یک نظام حقوقی درباره موضوع مالکیت و حدود و ثغور آن اعم از مالکیت خصوصی، بر سرمایه‌گذاری تأثیر گذار است. اسلام مالکیت شخصی و خصوصی را پذیرفته، آن را مشروع دانسته است و از این رو، با نظام سوسیالیسم تفاوت کلی دارد؛ ولی مالکیت مورد قبول اسلام خلاف چیزی است که در نظام سرمایه‌داری پذیرفته شده است؛ زیرا مالکیت مورد پذیرش نظام سرمایه‌داری، مالکیت مطلق است. برخی با این دیدگاه که در اسلام آزادی اقتصادی مقید است، موافق نیستند، بلکه معتقدند به عکس در اسلام، آزادی اقتصادی گسترده‌تر از نظام‌های دیگر است؛ زیرا هیچ نظام قانونی یافت نمی‌شود که آزادی را مقید نکرده باشد. در شریعت اسلام نیز آزادی بدون قید نیست؛ ولی قیدهای آن از کمترین حد لازم تجاوز نمی‌کند. این قیدها برای حفظ آزادی دیگران از تعدی و برای

حمایت از آینده، معامله از راه الزام دو طرف معامله به اصولی اخلاقی است که آنها و نسل های پس از آن را صیانت می کند.

حمایت از سرمایه گذاران زیان دیده: سیاست های اقتصادی در اسلام، از یکسو راه بر مصرف افراطی سرمایه های اجتماعی به وسیله عده خاصی می بندد و از سوی دیگر، کمبودها و کاستی های اقشار آسیب پذیر و آسیب دیده را به گونه ای صحیح جبران می کند و در نهایت زمینه ساز امنیت سرمایه گذاری، سودآوری و افزایش تولید و مصرف در حد معقول می گردد؛ مثلاً سیاست های مالی در نظام اسلامی، به علل متعددی انگیزه سرمایه گذاری را افزایش می دهد و این امر باعث کاهش نابرابری های زیاد و بحران های اجتماعی ناشی از آن می گردد؛ مثلاً از جهت مصارف زکات، پرداخت بدهی افرادی است که ورشکست شده اند و توانایی پرداخت بدهی های خود را ندارند. بخشی از خمس نیز می تواند در این راه مصرف شود. این امر باعث افزایش سرمایه گذاری و کاهش جمعیت کیفری زندان ها و کاستن از آسیب های ناشی از زندان از جمله فزونی نرخ تکرار جرم می گردد. رواج بازار قرض الحسنه و تداوم فعالیت های اقتصادی جامعه به-ویژه برای کسانی که اندیشه ها و طرح های اقتصادی سرمایه آفرینی دارند، از جمله پیامدهای مصرف صحیح زکات و خمس است. همچنین، می توان تدابیری اندیشید که کسانی که به ادای فرایض دینی اقتصادی مانند خمس و زکات اهتمام دارند، از امتیازات و مساعدت های ویژه به هنگام مواجه با بحران ها و مشکلات اقتصادی بهره مند گردند تا از این راه هم رغبت مردم به انجام این گونه فرایض بیشتر شود و هم سهم مشارکت مردم در فعالیت های اقتصادی مفید برای عموم جامعه بیشتر شود و هم در واقع آسیب مندی چاره اندیشی های مناسب برای آنان به عمل آید تا در معرض رفتارهای انحرافی و مجرمانه قرار نگیرند. همچنین، می توان از زکات و نیز بخشی از خمس در جهت سیاست های رفع فقر و نیازمندی های اساسی مردم، ایجاد اشتغال و رفع بیکاری، آموزش و بهداشت و... استفاده کرد.

مقتضیات سرمایه گذاری: از آنجا که سرمایه گذاری باعث گسترش تولید، اشتغال، ثروت و رفع فقر و محرومیت می-شود به برخی ضروریات و مقتضیاتی که باید وجود داشته باشد تا سرمایه گذاری دارای ثبات و دوام باشد، شامل هماهنگی با عقاید و فرهنگ عمومی جامعه، همسویی با اهداف و انگیزه های شرکت کنندگان، شفافیت اطلاعات، قابلیت انطباق با بازارهای بین المللی و موانع سرمایه گذاری است که خود موانع سرمایه گذاری شامل: وقایع پیش بینی نشده، افزایش هزینه های تولید و کارگزاری دولت به جای حفظ امنیت اقتصادی می باشد.

نقش توسعه سرمایه گذاری در خنثی کردن برخی عوامل تضعیف کننده اقتصادی: توسعه سرمایه گذاری باعث تضعیف عواملی همچون بیکاری، تورم، قاچاق کالا، بزهکاری و شغل های کاذب و مانند آن است.

• **کاهش نرخ بیکاری:** سرمایه گذاری باعث کاهش نرخ بیکاری می شود و از این راه بر کاهش نرخ بزهکاری نیز تأثیر می گذارد. افزایش حجم سرمایه گذاری های خصوصی که نقش تعیین کننده آن در رشد اقتصادی کشور غیر قابل تردید است، با تحکیم بنیان مالکیت و تأمین امنیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی برای مردم و تعمیم و فراگیری هر چه وسیع تر آن در کشور، رابطه ای مستقیم دارد. هر اندازه امنیت مال، سرمایه، کسب و کار، دستمزد نیروی کار و حقوق افراد در روستا، شهر، مزرعه و کارخانه بهتر تعیین و تأمین شود، دلگرمی مردم به کار و کوشش در تولید و تجارت بیشتر شده، سطح بیکاری در کشور کاهش می یابد و اقتصاد رونق می گیرد. ایجاد اشتغال مستلزم رشد و توسعه اقتصادی است که از راه سرمایه گذاری مؤثر قابل انجام می باشد.

• **کاهش تورم و فشار اقتصادی بر مردم:** سوق نیافتن سرمایه‌ها به سمت سرمایه‌گذاری‌های سالم و مولد باعث افزایش نقدینگی در بازار و افزایش نرخ تورم خواهد شد. تورم و گرانی هزینه‌های زندگی باعث می‌شود افراد غیرکارآمد که درآمدشان زندگی ایشان را کفاف نمی‌دهد، برای تأمین نیازهای خود به هر کاری هر چند غیر قانونی دست بزنند. از مهم‌ترین عوامل محیطی می‌توان فقر، بیکاری، تورم و شرایط بد اقتصادی را نام برد که بر همه آحاد جامعه، اقشار، گروه‌ها و نهادها تأثیر می‌گذارد و آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. هنگامی که دستمزد و حقوق کارگران و کارمندان به رغم افزایش‌های پولی سالیانه و افزایش بهره‌وری‌ها دائماً به دنبال نرخ تورم به کندی حرکت می‌کند، باعث می‌شود فساد اداری شیوع یابد. آن دسته از حقوق بگیران که قادر به سوء استفاده نیستند، اجباراً باید به شغل دوم و سوم پناه ببرند تا بتوانند کاهش قدرت خرید دستمزد و حقوق خود را جبران نمایند.

• **کاهش شغل‌های کاذب و قاچاق کالا:** مشاغل کاذب شهری به آن دسته از مشاغل شهری گفته می‌شود که به شکل مستقیم و یا غیر مستقیم به افزایش بهره‌وری نهایی کار تولیدی کمکی نمی‌کند و نیز حذف آنها تأثیر بسزایی در نیازمندی‌های تولید، توزیع، خدمات و کالاها ندارد. در برخی موارد حتی حذف این گونه مشاغل از صحنه تولید و توزیع کالا و خدمات باعث افزایش بهره‌وری نهایی کار تولیدی خواهد شد. بی‌رغبتی به سرمایه‌گذاری و فراهم نبودن زمینه‌های توسعه آن باعث گرایش سرمایه‌های داخلی به شغل‌های کاذب، گسترش کالاهای قاچاق، فقر و بیکاری، تكدی گری و مانند آن به عنوان نمونه‌هایی از آثار زیان بار ناامنی اقتصادی می‌شود.

• **برخورد با بزهکاران یقه سفید:** امروزه واژه بزهکار یقه سفید به بزهکارانی اطلاق می‌شود که با نفوذ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود بی‌آنکه نوعاً در جامعه رد پای از خود بجای گذارند و تحت تعقیب قرار گیرند، مرتکب جرایم فوق‌العاده خطرناک و زیان بار می‌شوند. بزهکاری یقه سفیدها باعث می‌شود: اولاً، به دلیل نفوذ این گونه افراد، رقابت سالم و آزادی عملکرد در عرصه اقتصادی از بین برود؛ ثانیاً، باعث سلب اعتماد مؤسسه‌های سیاسی و اقتصادی، فعالیت‌ها و متولیان آنان می‌شود؛ ثالثاً، اخلاق اجتماعی تضعیف شود. بخش قابل توجهی از سرمایه‌گذاری در جامعه بوسیله عموم مردم با خرید سهام بورس و عضویت در تعاونی‌ها و مانند آن صورت می‌گیرد. شهروندان باید اعتماد و اطمینان داشته باشند که متولیان شرکت‌ها و مؤسسه‌های تجاری با انگیزه‌های مشروع و همراه با وجدان کاری، خود را در قبال دیگران نیز مسئول می‌دانند و هدف‌های معقولی را مد نظر قرار می‌دهند و منفعت‌های مشترکی را تأمین می‌کنند و فقط به فکر تأمین منافع سرمایه‌داران نیستند. اگر شهروندان چنین اطمینانی نداشته باشند و بر این باور باشند که تصمیم‌های شرکت‌ها و مؤسسه‌های تجاری با انگیزه‌های منفعت طلبانه و خود خواهانه گرفته می‌شوند، از حمایت‌های مالی و سرمایه‌گذاری سر باز می‌زنند. شهروندان از مقامات عمومی انتظار دارند که درستکار باشند و بسیار جدی با کسانی که به خدعه و فریب متوسل می‌شوند و به بهره‌کشی اقتصادی مبادرت می‌ورزند، برخورد کنند.

• **برخورد کیفری شدید با فساد اداری:** فساد اداری اعم از اینکه در سطح کلان و عمده باشد و به‌طور سازمان یافته ارتکاب یابد، چنان که در بزهکاری یقه سفیدها اشاره شد یا به گونه جزئی و خرد مطرح باشد، بر رشد منفی سرمایه‌گذاری در کشور اثر گذار است. شیوع ناهنجاری‌هایی همچون رشوه‌خواری، سوء استفاده از سمت دولتی و اموال عمومی و یا اعمال نفوذ ناروا و یا نگاه سیاسی به جای رویکرد علمی و در نظر گرفتن منافع ملی، اثرات ناگواری بر روند رشد و توسعه کشور دارد. به همین دلیل، در همه نظام‌های سیاسی، برخی از رفتارهای مورد اشاره با عنوان‌های کیفری رشوه، اختلاس، سوء استفاده از اموال دولتی و مواردی از این دست، جرم تلقی شده است. بر این اساس، مشاهده می‌شود

که مبارزه و مقابله با فساد اقتصادی در سطح بین المللی مورد توجه قرار می گیرد و فساد به عنوان عامل بازدارنده سرمایه-گذاری، رشد و توسعه کشورها معرفی می گردد و اقدامات گسترده بین المللی برای مقابله با آن تدارک دیده می شود.

حمایت از سرمایه گذاری در قوانین، مصوبات و دستورالعمل ها

قانون گذار ایران در قانون اساسی و برخی قوانین عادی برخی تمهیدات تقنینی را برای حمایت از سرمایه گذاری در نظر گرفته که مجریان سیاست های اقتصادی می توانند از آن بهره بگیرند. البته لازم به ذکر است که این تمهیدات کافی نیست. در اینجا به مواردی از آنها اشاره شده است:

قانون اساسی: در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصولی پیشینی شده است که به مالکیت و سرمایه گذاری ناظر می باشد. طبق اصل ۴۴، نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه-ریزی منظم و صحیح استوار است. مالکیت در این سه بخش تا جایی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد، از محدوده قوانین اسلام خارج نشود، باعث رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و مایه زیان جامعه نشود، مورد حمایت قانونی جمهوری اسلامی است.

قانون رفع برخی موانع تولید و سرمایه گذاری صنعتی (مصوب ۱۳۸۶/۵/۷): به موجب ماده ۶ این قانون، وزارت نفت مکلف است گاز مورد در درخواست واحدهای صنعتی را با اولویت تأمین نماید. سازمان حفاظت محیط زیست نیز موظف شده است که به استعلام هایی که به منظور صدور پروانه بهره برداری واحدهای صنعتی و معدنی صورت می پذیرد، ظرف مدت یک ماه پاسخ دهد و در صورت عدم موافقت، دلایل آن را به استعلام کننده به صورت کتبی ارائه نماید. وزارتخانه های صادر کننده پروانه های صنعتی موظف اند در صورت عدم دریافت پاسخ سازمان، نسبت به صدور پروانه بهره برداری اقدام نمایند. در این قانون، اصلاحاتی نسبت به قانون کار صورت گرفته است که مهمترین آن، دادن اختیار فسخ قرارداد به کارفرما با قید حق فسخ در قرارداد می باشد.

دستورالعمل حمایت قضایی از سرمایه گذاری (مصوب ۱۳۸۶/۱۰/۱۶): این دستورالعمل که در سال ۱۳۸۶ تصویب شد و به تأیید ریاست قوه قضائیه رسید، همه واحدهای قضایی، اداری و سازمان های وابسته به قوه قضائیه را به استفاده از حداکثر ظرفیت قانونی خود در جهت اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مکلف نموده است. این دستورالعمل همچنین به وظایف نهادهایی مانند سازمان بازرسی کل کشور مبنی بر نظارت بر حسن اجرای قوانین در وزارتخانه ها، سازمان های اداری، شناسایی موانع صدور مجوز برای فعالیت های سالم اقتصادی و گلوگاه های موجب اطاله صدور مجوز و ارائه پیشنهاد برای رفع علل اطاله در اعطای تسهیلات به تجار و سرمایه گذاران، بویژه در بحث ترانزیت کالا، گمرک و مانند آن، پرداخته است.

قانون مبارزه با پولشویی (مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۲): پولشویی را که از آن به شریان خون تجارت جهانی مواد مخدر و دیگر جرایم سازمان یافته فرا ملی تعبیر می کنند، می توان آخرین مرحله فرآیند هر بار قاچاق مواد مخدر و دیگر جرایم سازمان یافته به حساب آورد. عقیم ماندن این مرحله در بازدارندگی از ارتکاب جرایم، اهمیت بسیاری دارد؛ چون اگر درآمد ناشی از جرم مصادره شود و بزهدکار به شست و شوی پول خود و استفاده از آن موفق نشود، به دنبال تجارت سالمی می رود که به خود او متعلق باشد و با خطر مصادره مواجه نشود. جرم پولشویی عبارت است از: «هر گونه تبدیل یا تغییر یا نقل و انتقال یا پذیرش یا تملک دارای یا منشأ غیر قانونی، بطور عمدی و با علم به آن برای قانونی جلوه دادن دارایی».

تحلیل سیاست های اشتغالزایی اقتصاد ایران با تأکید بر برنامه های توسعه:

نیروی انسانی یکی از مهم ترین و اساسی ترین عوامل تولید است که از طریق مشارکت در تولید چه به لحاظ یدی و فیزیکی و چه به لحاظ فکری و مدیریتی و تکنولوژی نقش بسیار برجسته ای را در روند تولید ایفا می کند؛ به نحوی که به جرات می توان گفت جوامعی که موفق شده اند از طریق برنامه ریزی صحیح و متکی بر اصول و ضوابط علمی نیروی انسانی کارآمد به وجود آورند، به خوبی بر کمیابی های ناشی از دیگر عوامل تولید غالب آمده و اوضاع اقتصادی مطلوبی برای خود فراهم کرده اند. یکی از دغدغه های اساسی برنامه های توسعه در کشور نیز تلاش برای کاهش معضل بیکاری است که همواره به عنوان یکی از اهداف مهم این برنامه ها مد نظر بوده است. امروزه، ساختار خاص جمعیتی کشور و عرضه فراوان نیروی کار از یک سو و عدم تکافوی فرصت های شغلی موجود و نیز فقدان امکانات مناسب با ویژگی ها و نیاز های نیروی کار از سوی دیگر، بیکاری را به عنوان مهمترین چالش اقتصادی و اجتماعی ایران در آورده، به نحوی که متغیرهای اقتصادی و اجتماعی دیگر را نیز تحت تأثیر خود قرار داده است. بازار کار در بین بازارهای پنج گانه اقتصاد (بازار سرمایه، بازار پول، بازار تامین اطمینان، بازار های کالا و خدمات و بازار کار)، در تنظیم روابط عرضه و تقاضای نیروی کار و تعادل در متغیرهای کلان اقتصادی از جمله اشتغال جایگاه ویژه و نقش محوری و تعیین کننده دارد و به دلیل وجود عامل انسانی در عرضه و تقاضای این بازار، آن را از دیگر بازارهای اقتصاد متمایز می نماید. پیامدها و آثار مثبت فراوان اقتصادی-اجتماعی تعادل در بازار کار به نحوی است که مورد توجه سیاستگذاران، سیاستمداران و اقتصاددانان است و در این راستا نیز طی سال های اخیر در قالب برنامه های توسعه ای، جهت ایجاد تعادل نسبی در بازار کار کشور، طرح ها و سیاست های اشتغالزایی متعددی به تصویب رسیده و به مرحله اجرا گذاشته شده اند.

برنامه اول و دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور (۱۳۷۸-۱۳۶۸): برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۷۲-۱۳۶۸) در شرایطی تدوین شد که اقتصاد کشور جنگ تحمیلی ۸ ساله را پشت سر گذاشته بود. در چنین شرایطی، بازسازی اقتصاد کشور در اولویت برنامه ها قرار گرفت. برای حل مشکل اشتغال هیأت وزیران بنا به پیشنهاد وزارت کار و امور اجتماعی تشکیل کمیته هماهنگی منطقه ای اشتغال رادر مورخه ۱۳۷۱/۲۶ به تصویب رساند که به منظور آگاهی از وضعیت بازار کار و استفاده بهتر از نیروی کار و تطبیق آن با نیازمندی های هر منطقه و بررسی مسائل و مشکلات مربوط به نیروی انسانی کمیته هماهنگی منطقه ای اشتغال با حضور استاندار، رئیس سازمان برنامه و بودجه استان، مدیر کل امور اقتصاد و دارایی استان، مدیر کل صنایع استان و... تشکیل می گردد. در بند ۵، بررسی مواد به شرح زیر به عنوان وظایف کمیته هماهنگی منطقه ای اشتغال تعیین می گردد:

- امکان اجرای طرح های اشتغال زا.
 - مشکلات فعالیت واحدهای اقتصادی.
 - مشکلات و مسائل طرح های معوق، در دست اجرا، نیمه تمام و متوقف.
 - مسائل مربوط به کشاورزی، صنعت، خدمات و فعالیت های وابسته به آن به منظور شناخت زمینه های اشتغال.
 - مسائل مربوط به نیروی انسانی و شناخت کمیت و کیفیت نیروی کار موجود در منطقه و ...
- دولت مجموعه ای از سیاست های اقتصادی، اجتماعی شامل آزاد سازی خصوصی سازی، افزایش سهم مالیات ها در بودجه دولت، تقویت پول ملی، رشد صادرات غیرنفتی، تحول اداری، ارائه خدمات اجتماعی و کاهش رشد جمعیت را در دستور کار خویش قرار داد. وجود ظرفیت های خالی اقتصاد، بکارگیری حجم عظیمی از سرمایه در طول برنامه اول،

وجود رشد ۷ درصدی اقتصاد، استفاده از حجم عظیمی از نیروی کار بدون توجیه اقتصادی در بخش‌های دولتی و تنها با توجیه اجتماعی و سیاسی، تغییر در تعاریف مرکز آمار ایران و... از مهمترین عواملی هستند که حداقل به صورت آماری موجب موفقیت برنامه اول در زمینه اشتغال‌زایی شده‌اند. برنامه دوم توسعه با حفظ نگرش کلی تکیه به اصلاحات اقتصادی و عدم توجه کافی به پیش نیازهای حقوقی، سیاسی لازم برای گذار به سوی اقتصاد بازار، کماکان سیاست‌های آزاد سازی و خصوصی‌سازی را در بخش‌های پولی و نیز در بخش خارجی اقتصاد در دستور کار خود قرار داد. عدم تحقق سیاست‌های خصوصی و آزاد سازی در برنامه اول و عوارض اجتماعی ناشی از افزایش قیمت‌ها، کاهش ذخایر ارزی و افزایش بدهی‌های خارجی که ناشی از عملکرد انبساطی بیش از حد برنامه اول بودند، باعث شدند که دولت، علیرغم سیاست‌های اعلام شده در راستای برنامه دوم، تثبیت اقتصادی را به‌ویژه در زمینه‌های نرخ ارز، سیاست‌های پولی، کنترل واردات و تثبیت قیمت‌ها به مرحله اجرا بگذارد. این چرخش استراتژی به‌ویژه در مرحله اجرا، باعث کاهش رشد اقتصادی در چهار سال اولیه برنامه دوم گردید. کاهش درآمدهای نفتی و غیرنفتی طی سال‌های ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۵، بکارگیری سیاست‌های انقباضی پولی و مالی توسط دولت و بانک مرکزی، رکود و کساد جهانی و اقتصاد داخلی، بویژه در بخش‌های تولید، کاهش رشد سرمایه‌گذاری‌ها، کاهش نرخ رشد اقتصادی و... از جمله عواملی هستند که موجب عدم تحقق اهداف اشتغال‌زایی طی سال‌های ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۷ شده‌اند.

عملکرد اشتغال‌زایی برنامه اول و دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور: با توجه به اهداف و سیاست‌های پیش‌بینی شده در برنامه اول توسعه، عملکرد این برنامه نشان می‌دهد در درجه نخست عملکرد آن با اهداف کمی ایجاد اشتغال پیش‌بینی شده در آن برنامه از موفقیت مناسبی برخوردار بوده است؛ زیرا عملکرد متوسط سالانه فرصت‌های شغلی ایجاد شده در این برنامه ۴۶۴/۴۰۰ هزار نفر بوده است. به عبارتی طی دوره برنامه اول توسعه، تعداد ۲ میلیون نفر و ۳۲۲ هزار فرصت شغلی ایجاد شده است؛ بنابراین از لحاظ کمی در برنامه اول توسعه در زمینه ایجاد اشتغال جدید بیش از ۱۰۰ درصد هدف برنامه تحقق یافته است، اما در عین حال بندهای ۵،۳، ۶، ۷، ۹ و ۱۰ از خط مشی‌های برنامه اول بطور کلی عملی نشده‌اند. در مجموع می‌توان گفت، برنامه اول توسعه در زمینه اهداف و سیاست‌های اشتغال‌زایی کارنامه نسبتاً موفق داشته است.

برنامه سوم و چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور (۱۳۸۹-۱۳۷۹): با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور و فشار جمعیت، عرضه نیروی کار در طول این برنامه باعث شد که دولت در این برنامه توجه خاصی به مقوله اشتغال و کاهش بیکاری داشته باشد، بیکاری به مهترین دغدغه دولت تبدیل شود، به‌طوریکه یکی از فصول قانون برنامه سوم (فصل ششم) به موضوع سیاست‌های اشتغال اختصاص یافت که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر ایجاد اشتغال تأثیر داشته‌اند. اهداف و سیاست‌های این برنامه نسبت به دو برنامه قبلی از گستردگی و تنوع بیشتری برخوردار بوده است. تصویب مواد (۴۹) و (۵۶) از قانون برنامه سوم توسعه از مهمترین مفاد قانونی جهت اقدامات دولت در اشتغال‌زایی می‌باشد. در برنامه سوم توسعه تشکیل شورای عالی اشتغال کشور مد نظر قرار گرفت و همچنین قانون الزام فراگیری آموزش‌های فنی و حرفه‌ای برای اشتغال به کار تصویب گردید. برنامه سوم، توسعه اقتصادی و اجتماعی بین حوزه‌های سیاست داخلی، اصلاحات اقتصادی، سیاست‌های فرهنگی و سیاست خارجی ارتباط برقرار می‌کند. این برنامه به جای تمرکز بر منابع دولت، به اصلاح ساز و کارها، قوانین و مقررات حقوقی و اقتصادی توجه دارد. توجه بیشتر

به ابعاد اجتماعی، حقوقی و فرهنگی توسعه در کنار افزایش توان اجرایی برنامه، دو عاملی هستند که امکان موفقیت این برنامه را افزایش می‌دهد.

عملکرد اشتغال‌زایی برنامه سوم و چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور: برنامه سوم توسعه نیز توفیق چندان مناسبی در امر اشتغال‌زایی نیافت؛ به گونه‌ای که بخش قابل توجهی از فرصت‌های شغلی ایجاد شده در کشور طی این برنامه، بیشتر متأثر از سیاست‌های منفعل بوده تا متأثر از سیاست‌های فعال بازار کار. بررسی روند عرضه و تقاضای نیروی کار فارغ‌التحصیلان در گذشته مؤید این مطلب است که بازار کار نیروی انسانی متخصص نسبت به بازار کار کشور با عدم تعادل بیشتری مواجه بوده است؛ بنابراین ضروری است تا با رویکردی متفاوت از گذشته نسبت به ارائه راهبردهایی مناسب جهت تعادل بخشی بازار کار و افزایش سطح اشتغال فارغ‌التحصیلان و نیروی کار متخصص اقدام گردد. چیزی که مسلم است این است که همچنان فضای اقتصادی کشور و محیط کار بازار داخلی از انعطاف لازم برای انجام سرمایه‌گذاری کلان، به‌ویژه در طرح‌های کاربر، برخوردار نیست. افزایش قابلیت‌های فنی و تخصصی به بیکاران از طریق ارائه آموزش‌های مهارتی به عنوان یکی از سیاست‌های فعال بازار کار می‌تواند جهت بهبود وضعیت اشتغال کشور مد نظر قرار گیرد.

برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور (۱۳۹۴-۱۳۹۰): تدوین سیاست‌های جامع بازار کار مبتنی بر کلیه جوانب و سیاست‌های بازار کار و همچنین مد نظر قرار دادن (کلیه گروه‌ها در بازار کار) در برنامه پنجم کشور ضروری به نظر می‌رسید و برای تحقق اهداف و سیاست‌های بازار کار در برنامه‌های توسعه‌ای، نیازمند نهادی مستقل به منظور پیگیری و نظارت بر اجرای سیاست‌ها است که بتواند در پیشبرد اهداف آرمان بازار کار که مبتنی بر دسترسی برابر فرصت‌های شغلی برای کلیه افراد جامعه و توسعه کار شایسته است نقش اساسی ایفا کند.

عملکرد اشتغال‌زایی برنامه پنجم اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور: نرخ مشارکت نیروی کار در سال ۱۳۹۰ از ۳۶/۹ درصد به ۳۷/۶ درصد در سال ۱۳۹۲ رسیده است. در همین بازه زمانی نرخ بیکاری از ۱۲/۳ درصد به ۱۰/۴ درصد کاهش داشته است. با شروع کار دولت یازدهم، نرخ مشارکت از ۳۷/۶ درصد در سال ۱۳۹۲ به ۳۹/۴ درصد در سال ۱۳۹۵ افزایش یافت که دلیل آن افزایش فشار عرضه نیروی کار به دلیل فارغ‌التحصیل شدن دانشجویان و ایجاد امید در جوانان برای پیدا کردن شغل، بوده است. در عین حال، شاخص مناسبی که می‌تواند وضعیت بازار کار کشور را بهتر بازگو می‌کند، نرخ اشتغال (نرخ اشتغال از نسبت جمعیت شاغل به جمعیت واقع در سن کار بدست می‌آید) است. در این دوره نرخ اشتغال، از ۳۳/۷ درصد به ۳۴/۵ درصد افزایش یافته است و حاکی از بهبود عملکرد سیاست‌های اشتغال‌زایی دولت یازدهم بوده است. گفتنی است، رونق ایجاد شده در سال‌های ۱۳۹۳-۱۳۹۵ نیز در ایجاد اشتغال بیشتر نقش داشته است.

برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور (۱۴۰۰-۱۳۹۶): در برنامه ششم توسعه مصوباتی که به‌صورت مستقیم و غیر مستقیم بر فرآیند اشتغال مؤثر می‌باشد به شرح زیر می‌باشد:

در راستای ایجاد علاقه‌مندی کارفرمایان به جذب نیروهای تحصیلکرده دانشگاهی در ماده ۷۱ برنامه ششم توسعه مصوب شده است که برای ترغیب کارفرمایان و کارآفرینان بخش خصوصی و تعاونی به جذب نیروی کار جوان کارفرمایانی

که طی برنامه ششم توسعه نسبت به جذب فارغ التحصیلان دانشگاهی با مدرک حداقل کارشناسی به صورت کارورزی اقدام کنند، از پرداخت سهمیه بیمه کارفرما برای مدت دو سال از تاریخ شروع به کار، معاف می‌شوند. همچنین سازمان مناطق آزاد مکلف شده است به منظور زدودن فقر از چهره مناطق آزاد تجاری یک درصد از محل عوارض ورود کالاها و خدمات این مناطق پس از واریز به خزانه طبق بودجه سنواتی از طریق کمیته امداد خمینی (ره) و سازمان بهزیستی برای اشتغال محرومان و نیازمندان بومی این مناطق اختصاص دهد. از سوی دیگر بر اساس ماده ۱۱ این لایحه، در راستای افزایش نقش صنعت بیمه در نظام تأمین مالی و ایجاد فضای امن در سایر حوزه‌های اقتصادی از جمله فضای کسب و کار و سرمایه‌گذاری، از طریق شرکت‌های بیمه نسبت به ارتقای نقش اقتصادی بیمه در تأمین رفاه و امنیت مردم و افزایش ضریب نفوذ در کشور تا متوسط جهانی آن در طی سال برنامه اقدامات لازم را جهت تحقق اهداف زیر به عمل آورد:

- ضریب نفوذ بیمه بازرگانی در طول اجرای برنامه به ۷ درصد برسد.
- سهم بیمه‌های عمر از حق بیمه تولیدی بیمه‌های بازرگانی کشور حداقل ۵۰ درصد نسبت به سال پایه اجرای قانون برنامه افزایش یابد.

بررسی مشوق‌های قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی و آئین نامه اجرایی آن (۱۳۸۱) بخش اصلی مشوق‌های قانون و آئین نامه اجرایی را مشوق‌های عام تشکیل می‌دهند. مشوق‌های عام در آئین نامه اجرایی تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی (۱۳۸۱) به معنای تشویقاتی آمده است که هم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و هم سرمایه‌گذاری تحت ترتیبات قراردادی را در بر می‌گیرد. نکته‌ی مهمی که به عنوان یکی از نقایص این قانون و آئین نامه به چشم می‌خورد، قرار دادن عنوان ترتیبات قراردادی در مقابل عنوان سرمایه‌گذاری مستقیم است. اصطلاح سرمایه‌گذاری مستقیم در مقابل سرمایه‌گذاری در سبد سهام جعل شده و قرار دادن آن در برابر ترتیبات قراردادی این مسأله را به ذهن متبادر می‌سازد که سرمایه‌گذاری تحت ترتیبات قراردادی، از جمله سرمایه‌گذاری‌های غیر مستقیم هستند؛ حال آنکه این تصور، باطل بوده و سرمایه‌گذاری تحت ترتیبات قراردادی نیز در زمره سرمایه‌گذاری‌های مستقیم به شمار می‌روند. تفاوت اصلی میان سرمایه‌گذاری مستقیم و غیر مستقیم این است که در سرمایه‌گذاری مستقیم، سرمایه‌گذار دارای حد بالایی از کنترل و نظارت، در مدیریت پروژه خود است؛ در حالی که در سرمایه‌گذاری غیر مستقیم، سرمایه‌گذاران به انتخاب نماینده برای تصمیم‌گیری بسنده می‌کنند، البته در این روش نیز هر چند مدیریت سرمایه‌گذار مشهود نیست لیکن سرمایه‌گذار می‌کوشد بر تصمیم‌گیری‌های نمایندگان در مجامع شرکت تجاری، نظارت داشته باشد.

اصل رفتار ملی: اصل رفتار ملی به عنوان یکی از اصول اساسی در موافقت‌نامه تأسیس و دیگر موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت، مورد توجه قرار گرفته است. نکته مهم در باب اصل رفتار ملی، به رفتارهای خارجی (و یا دارای عنصر خارجی است) ناظر است. بدین معنا که کشورها نمی‌بایست در ارتباط با اتباع کشورهای خارجی رفتاری تبعیض آمیز و سخت‌گیرانه از رویه‌ی داخلی با اتباع خود داشته باشند. بدیهی است که اصل اخیر متضمن این برداشت نیست که کشورها نمی‌توانند امتیازات بیشتری به اتباع خارجی داده و در مقابل، سختگیری بیشتری نسبت به اتباع خود داشته باشند.

مشوق‌های در نظر گرفته شده برای روش سرمایه‌گذاری مستقیم: سرمایه‌گذاری یکی از ویژگی‌های گریز-ناپذیر زندگی امروز است. سرمایه‌داران همواره در تلاش‌اند تا با تحصیل منافع، از جریان سرمایه‌های راکد خود در یک روند تجاری، میزان سرمایه‌ی خود را افزایش دهند. آنان برای کسب منافع بیشتر به روش‌های متعدد سرمایه‌گذاری خارجی روی آورده‌اند. یکی از این روش‌ها، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است. در قانون تشویق و حمایت سرمایه-

گذاری خارجی تعریفی از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی وجود ندارد و فقط به ویژگی‌های آن پرداخته شده است. بنا بر تعریف آنکتاد سرمایه‌گذاری مستقیم، روشی است که متضمن قرار داد طولانی مدت یک بنگاه خارجی (بنگاه مادر) برای کنترل و کسب منافع از یک فعالیت اقتصادی در کشور میزبان است. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی یکی از مهمترین روش‌های سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه است. در این نوع سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذار خارجی با حضور فیزیکی در محل (کشور میزبان) مسئولیت مالی، کنترل و اداره واحد را مستقیماً به دست می‌گیرد.

مروری بر متن و ماهیت اصل ۴۴ قانون اساسی و سیاست‌های اجرایی آن

اصل ۴۴ قانون اساسی، با تقسیم نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران به سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی، حدود و ثغور و امکان فعالیت هر یک از بخش‌ها را احصاء نموده و به عبارت دیگر بخش‌های تعاونی و خصوصی را در فعالیت‌های صدر اصل مذکور منع و مالکیت آنها را در اختیار دولت یا بخش دولتی قرار داده است. اصل اخیرالذکر در چارچوب الزامات ناشی از شرایط اقتصادی و اجتماعی فعلی کشور و در مسیر تحقق به اهداف سند چشم‌انداز بر اساس سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴ با تمرکز بر سه محور ذیل، دگرگونی ساختار کشور را مد توجه قرار داده است:

۱. عدم حق دولت در ورود به فعالیتهایی که مطابق اصل ۴۴ در حوزه مالکیت و مدیریت بخش‌های تعاونی و خصوصی، واقع شده‌اند و واگذاری موارد جاری به بخش‌های مذکور حداکثر تا پایان برنامه چهارم توسعه.
۲. تجویز و رفع محدودیت بخش‌های تعاونی و خصوصی در بخشی از فعالیتهای صدر اصل ۴۴ که تا قبل از ابلاغیه، مطلقاً در حوزه مالکیت دولت بوده‌اند.
۳. توسعه بخش‌های غیر دولتی از طریق واگذاری فعالیتها و بنگاه‌های دولتی.

موانع راهبردی: بررسی مفاد قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه... و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، تمرکز مقنن بر محورهای سه گانه سیاست‌های ابلاغی را به شرح ذیل نشان می‌دهد: از مجموع ۹۲ ماده و ۹۰ تبصره‌ی قانون مذکور، صرفاً دو ماده و ۶ تبصره ناظر بر تسهیل و تسریع در سرمایه‌گذاری و صدور مجوز فعالیت‌های اقتصادی برای بخش‌های غیر دولتی (مواد ۷ و ۸) و ۳ ماده با ۴ تبصره از آن صرفاً معطوف به توسعه بخش تعاون می‌باشد (مواد ۹ الی ۱۲ قانون)، این در حالی است که ۲۰ ماده و ۳۵ تبصره از همان قانون معطوف به فرآیند واگذاری شرکت‌های دولتی است. این بررسی به تنهایی گواه این مهم است که از محورهای سه گانه مورد تمرکز سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴، توسعه بخش‌های غیر دولتی صرفاً از طریق واگذاری فعالیت و بنگاه‌های دولتی مورد توجه مجریان واقع گردیده و تمرکز بر محورهای بعدی که از نظر راهبردی حائز نقش اساسی‌تر در تأمین اهداف ابلاغیه مذکور می‌باشند، مغفول مانده و یا به اندازه اهمیت، به آنها پرداخته نشده است و به نظر می‌رسد، این مهم بزرگترین مانع راهبردی عدم تحقق سیاست‌های موضوعه باشد.

موانع ساختاری: موانع ساختاری شامل موارد زیر است:

۱. عدم سنخیت قوانین ناظر بر فعالیتهای اقتصادی با روش‌ها و اهداف اقتصادی من جمله قانون کار و قانون مالیات‌های مستقیم که مانع از تلاش مدیران واحدهای اقتصادی در توسعه بهره‌وری منابع انسانی و همچنین عدم ایجاد

انگیزه‌های اقتصادی مؤثر نزد کارفرمایان از طریق اعمال مقررات قانونی یکنواخت در تمامی رشته فعالیتها که عمدتاً هر یک حائز شرایط ویژه و خاص خود و نیازمند نگاه متفاوت قوانین موضوعه من جمله قانون مالیات‌های مستقیم می‌باشند.

۲. عدم توجه به منافع کارفرمایان اقتصادی در قالب سندی کاها و تشکله‌ها جهت بهره‌گیری از حضور تشکله یافته آنان در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی مرتبط با حوزه‌های عملکردی آنها که مانع از بازخورد مؤثر نظام‌های تصمیم‌گیری دولت در فرآیند اجرا و مآل عدم بهینه‌سازی تصمیمات می‌شود.

۳. عدم اقدام نظام‌مند بخش‌های مختلف تصمیم‌گیری، اجرایی و پیگیری و همچنین عدم اتخاذ اهداف مشترک بخش‌های دولتی، عمومی و خصوصی در ارتباط با فعالیت‌های اقتصادی که منجر به عدم نقش‌پذیری هر کدام در وظایف ذاتی و مورد انتظار آنها می‌شود. در این زمینه می‌توان به مصادیقی مثل عدم حضور جدی بخش‌های خصوصی و تعاونی در تفاهم‌نامه‌ها و موافقت‌های بین دولت جمهوری اسلامی ایران با سایر دول خارجی، عدم اهتمام نمایندگی‌ها و رایزن‌های بازرگانی ایران در کشورهای خارجی جهت بازاریابی محصولات تولیدی و تنظیم مراودات تجاری، عدم حمایت جدی دولت از برگزاری منظم و مستمر نمایشگاه‌های تخصصی در خارج کشور و ... اشاره نمود.

۴. عدم اهتمام در ایجاد زیرساخت‌های فرهنگی به‌ویژه توسعه مسئولیت‌های اجتماعی کارفرمایان و کارکنان، توسعه وجدان کاری، اعتقاد به تعالی کشور از طریق روحیه کار و تلاش و عدم الگوسازی در این زمینه از سوی نهادهای اجتماعی. آثار عدم اهتمام به این مهم، یکی از عمده‌ترین مصائب واگذاری سنوات ماضی، من جمله در تفکیک و فروش اراضی، فروش غیر اصولی موجودی انبار، تعطیلی بنگاه، بیکاری شاغلین و ... موجب شده است.

۵. عدم اهتمام کافی و جدی در رقابت‌پذیر ساختن فعالیت‌های سودآور اقتصادی و رفع انحصارات در بازار نهاده‌ها تولید و خدمات.

۶. تلاش کافی در ایجاد، انباشت و تجمیع هدفمند پس‌انداز آحاد مردم با هدف ظرفیت‌سازی توسعه سرمایه-گذاری، توسعه ظرفیت بخش‌های خصوصی و تعاونی جهت مسئولیت‌پذیری بیشتر در فعالیت‌های اقتصادی صورت نمی‌گیرد.

۷. عدم تدوین منشور و سند صریح برنامه‌های اجرای دولت در توانمندسازی بخش غیر دولتی و بهبود فضای کسب و کار با هدف ایجاد مزیت‌های جذب‌کننده سرمایه‌گذاری‌ها و عدم تلاش در راهبری سرمایه‌گذاری‌ها در مسیرهای منتهی به اهداف سند چشم‌انداز از این طریق. در همین راستا، مناسب است تا نگاهی به سی و چهارمین نشست کشورهای عضو OECD در اکتبر ۲۰۰۸ داشته باشیم.

موانع اجرایی: عدم ارائه پشتیبانی‌های قبل و بعد از واگذاری شرکت‌های واگذار شده اعم از ارائه آموزش‌های مدیریتی، کارآفرینی، مدیریت منابع انسانی، مدیریت منابع مالی و توسعه بازار به تناسب رشته فعالیت هر یک از شرکت‌ها، عدم تضمین سود سرمایه‌گذاری کارآفرینان در شرکت‌های دولتی ذکر شده از جمله موانع اجرایی عدم تحقق مؤثر سیاستهای اصل ۴۴ می‌باشد.

نقش مدیریت در ماهیت و جایگاه سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی

ماهیت سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی: هر مفهوم درساختار کلی نظام حقوقی باید دارای جایگاه روشن و متناسبی باشد و رابطه ی آن با هنجارهای فرازین و فرودین به وضوح تبیین گردد. سیاست های کلی نظام نیز از این حکم کلی مستثنی نمی باشد و باید جایگاه آن در سلسله مراتب هنجارهای حقوقی نسبت به سایر هنجارها روشن گردد. از همین رو شایسته است ابتدا سیاست های کلی نظام با سایر هنجارهای قانونی مورد بررسی قرار گیرد. در خصوص ماهیت سیاست های کلی نظام از دیدگاه حقوقی، نظرات متفاوتی ازجانب صاحب نظران عرصه ی حقوق عمومی بیان شده است. برخی سیاست های کلی نظام را دارای ماهیت قانونی می دانند و بر این باورند که سیاست های کلی یا قانون است و یا مافوق قانون. این در حالی است که این نظریه از حیث حقوقی با ایرادات جدی مواجه می باشد. از جمله ی مهم ترین ایرادات وارده به این نظریه عبارت اند از عدم تطابق با اصل مقبولیت قانون به علت انتزاعی بودن مفاد آن، عدم انطباق صوری و ماهوی با سایر هنجارهای قانونی، عدم طی تشریفات خاص قانونی که قانون گذار عادی وجود آن را الزام نموده و عدم ضمانت اجرای حقوقی به عنوان یکی ازذاتیات گزاره های قانونی هاشمی رفسنجانی درخصوص تفاوت میان ماهیت سیاست های کلی نظام با قانون می گوید: بخش دیگرسیاست های کلی است که اصلاً قانون نیست. آن ها سیاست است و در قانون اساسی مربوط به رهبری است. همان گونه که بیان گردید، سیاست های کلی نظام قانون و یا در حکم قانون محسوب نمی گردد بلکه تدابیرکلی درجهت وضع و اجرای قوانین می باشد. براین اساس می توان گفت ازحیث ماهیتی، سیاست های کلی نظام ماهیت متفاوتی از قوانین دارد و ازحیث حقوقی دارای عناصر ذاتی مجزایی است؛ که خصوصیات آن مانندکلی بودن، پایداری، آینده نگری، واقع بینی، فراگیر بودن و بیان گر آرمان های اصلی اهداف و ارزش های نظام درعرصه های گوناگون سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ... می باشد که در تعاریف ذکر شده مشهود است. از حیث شرعی نسبت به ماهیت سیاست های کلی نظام، عقیده غالب بر حکم حکومتی بودن این سیاست ها است. در تبیین این موضوع می توان بیان نمود که براساس اندیشه فقههای شیعه حکم حکومتی امر یا اوامری است که از ناحیه امام مسلمین و یا نایب ایشان بر مبنای تشخیص آنها از منافع و مصالح عموم مردم صادر می گردد؛ و قسمتی از احکام اولیه شرعی می باشند که بر سایر احکام مقدم اند. بر مبنای تعریف ارائه شده از سیاست های کلی نظام نیز بیان گردید که سیاست های کلی نظام تدابیر و خط مشی های کلانی است که در راستای تحقق قانون اساسی به وسیله ی مقام رهبری ابلاغ گردید؛ در نتیجه می توان گفت سیاست های کلی از حیث شرعی قسمی از احکام حکومتی به حساب می آید. در حقیقت سیاست های کلی نظام، قانون اساسی یا قانون عادی نیست و فقط احکام شرعی هست که از باب احکام حکومتی صادر می گردد و روح بند یک اصل یکصد و دهم بیانگر همان احکامی است که بر مبنای مصالح و توسط فقیه واجد شرایط وضع خواهد شد. در نتیجه می توان گفت سیاست های کلی مورد تائید رهبری از منظر شرعی حکم حکومتی است؛ و از منظر حقوقی نیز سیاست ها و تدابیری است که حلقه واصل میان آرمان ها و مسائل اجرایی به شمار می آید.

جایگاه سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران: در خصوص جایگاه

سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی به عنوان یکی از سیاست های کلی ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری نیز باید به بررسی جایگاه کلی سیاست ها در نظام حقوق داخلی پرداخت. در این خصوص نیز نظرات گوناگونی مطرح شده است. برخی بر این باورند که سیاست های کلی نظام در رأس سلسله مراتب قوانین و مافوق قانون اساسی است چرا که در زمره ی

اوامر ولائی قرار می گیرد و مصلحت عمل به آن از مصلحت عمل به قانون اساسی فراتر است. در مقابل، گروه عمده ای از صاحب نظران معتقدند سیاست های کلی نظام مادون قانون اساسی و مافوق سایر هنجارهای حقوقی است. در تبیین این عبارت میتوان گفت قانون اساسی آرمان و میثاق ملی و سند حقوقی و سیاسی یک کشور است و اصل برتریت و حاکمیت آن ایجاب می کند که هیچ هنجاری بالاتر از آن نباشد. به عبارت دیگر سیاست های کلی از نظر نظم هنجاری و حقوق اساسی در مرتبه پائین تری از اصول قانون اساسی قرار دارد هر چند بالاتر قوانین عادی و مقررات دولتی می باشد و به همین دلیل نمی تواند نسبت به اصول قانون اساسی از ارجحیت برخوردار باشد. در نتیجه در خصوص نسبت سیاست های کلی نظام با سایر هنجارهای حقوقی می توان بیان نمود که سیاست های کلی مجموعه تدابیر و خط مشی هایی است که نسبت به قانون اساسی در مرتبه ای پائین تر و بالاتر از مقررات عادی قرار دارد که در جستجوی سیر جامعه به سمت و سوی اهداف آرمانی و تحقق قانون اساسی می باشد. در ادامه از دیدگاه برخی نیز فقط مصوبات مجلس شورای اسلامی قانون محسوب می شود؛ زیرا با تشریفات خاص وضع می شوند و مجموعه ای از اوامر و نواهی هستند که در عین وضع، همراه با ضمانت اجرا، بر اشخاص تحمیل می شوند. بدین معنی که سیاست های کلی را جزء ساختار قانونی کشور تلقی نمی نمایند؛ چون به لحاظ ذاتی و ماهیتی، جزء قانون اساسی و یا عادی محسوب نمی شوند و این سیاست ها هیچ یک از صفات و ویژگی های قانون را ندارد. در نتیجه در خصوص جایگاه سیاست های کلی می توان بیان نمود که همان تعیین اهداف و خط مشی های کلی است که خارج از حیطه تقنینی است و تقریباً معادل مبنای قانون و روح کلی حاکم بر قانون است. موقعیت سیاست های کلی حالت بینابینی دارد. چارچوب کلی (ارزش ها و اهداف) را قانون اساسی و مسائل جزئی را مجلس تعیین می نماید. سیاست های کلی باید با توجه به مقتضیات زمان، خط مشی تقنینی و اصولی را که باید در شرایط خاص بر آن تأکید شود، روشن کند. البته سیاست های کلی نباید وارد مسائل جزئی و سیاست های اجرایی خرد شود که این نوع دخالت آشکار در تقنین و تعیین خط مشی های اجرایی، قضایی و مدیریتی است. سیاست های کلی نظام قواعدی لازم الاجرا تلقی می گردد و همه نهادها و ساختارهای حکومت موظف اند وظایف خود را منطبق با آن اجرا نمایند و در جهت عملیاتی نمودن سیاست ها اقدام کنند که من جمله در سند چشم انداز توسعه با توجه به بحث های بوجود آمده در خصوص بازگشت تحریم های ظالمانه آمریکا باید در جهت عملی نمودن سیاست های اشتغالزایی و برنامه های مرتبط با آن از سیاست های اقتصاد مقاومتی به عنوان نقشه راه اصلی توسط دولت استفاده گردد.

اصول و شاخصه های سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی: از جمله مهم ترین این اصول عبارتند از: اصل استقلال اقتصادی، اصل عدالت اقتصادی، اصل فساد ستیزی، اصل مردم محوری و اصل اصلاح الگوی مصرف است، اصل ایجاد تأمین رفاه اجتماعی، تحرک و پویایی در عرصه ی اقتصاد می باشد؛ اما آنچه در اینجا جزء شاخصه های مهم در رابطه با سیاست های مرتبط با اشتغال می باشد و در ادامه به توضیح مبانی و شاخصه های حقوقی آن پرداخته خواهد شد همین مورد آخر می باشد.

مبانی اصل ایجاد تأمین رفاه اجتماعی و تحرک و پویایی در اقتصاد: مقصود از رفاه در کتب فقهی شیعه وسعت رزق و روزی در زندگی می باشد. اندیشمندان حوزه اجتماعی و اقتصادی بر این باورند که رفاه اجتماعی تعبیری معطوف به وضعیت های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جامعه می باشد که حفظ کرامت انسان، افزایش مسئولیت پذیری افراد جامعه در قبال یکدیگر و ارتقاء توانمندی های افراد از اهداف آن می باشد. این مفهوم در طول سالیان متعدد در

مجامع علمی دچار دگرگونی های فراوانی گردیده است. با وجود این در حال حاضر مقصود از رفاه اجتماعی عبارت است از: مجموعه سازمان یافته ای از قوانین، مقررات، برنامه ها و سیاست هایی که در قالب مؤسسات رفاهی و نهادهای اجتماعی به منظور پاسخگویی به نیازهای مادی و معنوی و تأمین سعادت انسان ارائه می شود تا زمینه رشد و تعالی او را فراهم آورد. بر اساس این تعریف، لزوم رفاه اجتماعی در نظامی مبتنی بر آموزه ای شریعت اسلام، حکومت را موظف به دنبال کردن سیاست ها و راهبردهایی جهت تأمین مادی و معنوی انسان ها و ایجاد سعادت دنیوی و اخروی می کند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رفاه اجتماعی شهروندان و ابعاد گوناگون آن را در اصول متعددی مورد توجه قرار داده است. بند دوازدهم اصل سوم یکی از وظایف اقتصادی دولت را پی ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه با هدف ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه می داند. علاوه بر این اصل چهل و سوم نیز هدف از ضوابط اقتصادی جمهوری اسلامی ایران را ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردهای نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او بر می شمرد. در اندیشه اسلامی تحقق رفاه اجتماعی از طریق رشد و پویا نمودن اقتصاد یکی از اهداف مهم دولت اسلامی بر شمرده است. از این موضوع در ادبیات دینی با معیارهایی چون رفع فقر و تأمین اجتماعی یاد می گردد که یکی از وظایف مهم حکومت چه در بعد فردی و چه در بعد اجتماعی دانسته شده است. از مجموع آیات و روایات وارده در این زمینه به وضوح برداشت می گردد دستیابی انسان به کمال خود و تحقق اهداف آفرینش نیازمند توجه به هر دو بعد مادی و معنوی می باشد؛ هر چند که کمال بعد مادی انسان باید در خدمت کمال بعد روحی و معنوی او قرار گیرد. سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی نیز با توجه به این اصل کلی رشد و پویایی حرکت اقتصادی جامعه که در پی آن رفاه عمومی تأمین می گردد را یکی از راهبردها و خط مشی های کلی در راستای تحقق اهداف نظام اسلامی و مقابله با چالش های پیش رو می داند و در این زمینه بیان می دارد:

✓ استفاده از ظرفیت اجرای هدفمند سازی یارانه در جهت افزایش تولید، اشتغال و بهره وری، کاهش شدت انرژی و ارتقاء شاخص های عدالت اجتماعی.

✓ محور قرار دادن رشد بهره وری در اقتصاد با تقویت عوامل تولید، توانمند سازی نیروی کار، تقویت رقابت پذیری اقتصاد، ایجاد بستر رقابت بین مناطق و استان ها و بکارگیری ظرفیت و قابلیت های متنوع در جغرافیای مزیت های مناطق کشور.

✓ حمایت همه جانبه هدفمند از صادرات کالا و خدمات به تناسب ارزش افزوده و با خالص ارز آوری مثبت از طریق:

✓ تسهیل مقررات و گسترش مشوق های لازم.

✓ گسترش خدمات تجارت خارجی و ترانزیت و زیر ساخت های مورد نیاز.

✓ تشویق سرمایه گذاری خارجی برای صادرات.

✓ توسعه حوزه عمل مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور به منظور انتقال فناوری های پیشرفته، گسترش و تسهیل تولید، صادرات کالا و خدمات و تأمین نیازهای ضروری و منابع مالی از خارج. مقام معظم رهبری توجه به رشد و تحرک

اقتصادی که نتیجه آن رفاه عمومی و تحقق شاخصه های آن از جمله افزایش اشتغال، کاهش فقر و ... می باشد؛ را از مؤلفه های اصلی سیاست های اقتصاد مقاومتی می داند و تصریح می نماید: یکی مسئله ی ایجاد تحرک و پویایی در اقتصاد کشور و بهبود شاخص های کلان است، از قبیل رشد اقتصادی، از قبیل تولید ملی، از قبیل اشتغال، کاهش تورم، افزایش بهره وری، رفاه عمومی.

مبانی شاخصه های حقوقی اصل ایجاد تأمین رفاه اجتماعی و تحرک و پویایی در اقتصاد: در این زمینه نیز می توان ذیل اصل ایجاد رفاه اجتماعی و تحرک و پویایی در بخش های اقتصادی معیارها و شاخصه های عملیاتی را نشان داد که به مثابه قطب نما برای کارگزاران حکومتی، آنان را در تحقق سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی یاری می نماید. از جمله این شاخصه ها عبارتند از:

- ✓ لزوم توجه به معیار کارآفرینی و اشتغالزایی در اختصاص حمایت های مختلف دولتی.
- ✓ لزوم کاهش هزینه های صادرات و افزایش عوارض واردات در قوانین گمرکی.
- ✓ زوم حمایت حقوقی از تاسیس شرکت های دانش بنیان از طریق تسهیل تأسیس و اعطای کمک های مالی و ابتدای حرکت اقتصادی کشور بر پیوند دانشگاه و صنعت.
- ✓ لزوم حمایت از دستیابی به دانش و تکنولوژی های روز به منظور افزایش بهره وری در بخش های مختلف اقتصادی. تمسک به هریک از شاخصه های فوق در عرصه های تصمیم گیری و اجرا می تواند مستلزم اجرا و تحقق بخشی از اهداف سیاست های کلی نظام در خصوص اقتصاد مقاومتی باشد.

سیاست ها و اقدامات مؤثر بر رشد و توسعه اقتصادی هند (ارزیابی و نقش سیاست های مؤثر بر رشد و توسعه اقتصادی هند)

نوع سیستم حکومتی: یکی از مهمترین عوامل تأثیرگذار بر رشد و توسعه اقتصادی هند، نوع سیستم حکومتی این کشور است. وجود ریشه های دموکراسی در تاریخ و تمدن کهن این کشور باعث شده است تا هند با تأکید بر کثرت گرایی، بزرگترین دموکراسی در جهان را بر پایه ی سیستم فدرال ایجاد نماید. این امر باعث گسترش روحیه ی تساهل و مدارا میان مردم و گروه های مختلف قومی، نژادی، مذهبی و سیاسی در هند شده است. علاوه بر این در قانون اساسی هند، در مورد حقوق شهروندان، قوانین مربوط به مالکیت افراد، مسئولیت پذیری مقامات دولتی در برابر مطالبات اقتصادی و سیاسی مردم، نحوه ی مشارکت شهروندان در تصمیمات سیاسی و اقتصادی، انضباط دولت در امور اقتصادی و مالی، گسترش امور زیربنایی به وسیله ی دولت و نحوه ی عملکرد احزاب سیاسی در مواجهه با برنامه های اصلاحی دولت بسیار شفاف تنظیم شده اند. این امر باعث ایجاد ثبات و امنیت حقوقی و سیاسی نسبی در جامعه ی هند شده است. از طرفی سیستم اداری کشور در هند به صورت فدراتیو است. این امر در توسعه و رشد اقتصادی هند نقش مهمی ایفا نموده است؛ زیرا در برنامه ریزی های دولت مرکزی، حکومت های ایالتی نقش مکمل و فعالی ایفا می کنند و این باعث می شود که برنامه های توسعه و سیاست های اقتصادی مرتبط با آن، در یک ناحیه یا منطقه ی خاص متمرکز نشود؛ زیرا دولت پذیرفته است که حکومت های ایالتی در برنامه ریزی، اجرا و تأمین اعتبار فعالیت هایی مانند کشاورزی، آموزش و پرورش، بهداشت، توسعه ی مناطق روستایی و خدمات رفاهی نقش داشته باشند و در مقابل، دولت توسعه ی صنایع سنگین و بخش های مهم علمی و فنی را بر عهده گرفته است.

اصلاحات قانونی و اجرایی و سیاست‌های صنعتی جدید: مهمترین عاملی که زمینه را برای تحول اقتصادی گسترده در هند و حضور گسترده‌ی بخش خصوصی در روند توسعه‌ی اقتصادی این کشور فراهم نمود، بحران مالی سال ۱۹۹۱، در این کشور بود. این بحران که به دلیل افزایش بدهی‌های خارجی دولت، بالا رفتن بهای نفت، افزایش فرار سرمایه‌های داخلی در هند و کاهش ذخایر ارزی بوجود آمده بود، هندرا ترغیب به اتخاذ یک سری سیاست‌های اقتصادی اصلاح طلبانه نمود. سیاست صنعتی جدید (۱۹۹۱) تصمیم‌گیری در مورد سرمایه‌گذاری صنعتی را از کنترل سیاستمداران و بوروکرات‌ها خارج کرد. در سیاست جدید غیر از ۱۸ بخش، صدور مجوز در سایر بخش‌ها کاملاً حذف شد. صنایع بزرگ تحت عنوان (قانون انحصارات و عملیات تجاری محدود) درهای‌شان را بر روی سرمایه‌گذاری خارجی گشودند. بخش صنایع دولتی برای خصوصی کردن و تکنولوژی مدرن آماده شد و مقررات آن برای انطباق با تکنولوژی خارجی قابل انعطاف گردید. این همان تعدیل قوانین به نفع بخش خصوصی بود که از آن به عنوان اصلاحات اقتصادی هم یاد می‌شود.

الگوی اقتصاد دانشی: در الگوی اقتصاد دانشی کمیابی منابع وجود ندارد بلکه اقتصاد فراوانی منابع است. در الگوی اقتصاد دانش پایه، دانش به کالا تبدیل می‌شود و در بازارهای داخلی و بین‌المللی به فروش می‌رسد. اقتصاد دانش پایه به اقتصاد بدون وزن معروف است. در این اقتصاد کارخانه‌ها و صنایع بسیار بزرگ و فیزیکی وجود ندارد بلکه میکروچیپ‌ها و قطعات الکترونیک و هوشمند اهمیت دارند. در این مدل محدودیت جغرافیایی وجود ندارد. هند توانست با تمرکز بر صنایع نو و اطلاعات محور به موقعیت اقتصادی بسیار ممتازی دست یابد. همچنین هند با صنعتی کردن بخش‌های اقتصاد خود مخصوصاً در کشاورزی به عنوان اصلی‌ترین پایه اقتصادی این کشور، رشد خود را افزایش داد. هند در این بخش به چند دلیل دارای وضعیت و وضعیت خاص است. توجه هند به اقتصاد دانشی به دلیل وجود نیروی انسانی تحصیلکرده و متخصص فراوانی است که در اختیار دارد. هند از لحاظ تعداد پرسنل آموزش دیده فنی، سومین کشور جهان پس از آمریکا و روسیه است. در عین حال و فارغ از محذورات تأکید هند بر حوزه خدمات و بکارگیری نیروی متخصص بسیار در این بخش‌ها ناشی از ناتوانی و ناکامی هند در تأمین زیرساخت‌ها است؛ به عبارت دیگر، هند برای بخش‌های دیگر نیاز به تأمین زیرساخت‌های بسیار هزینه‌بری دارد. لذا الگوی تمرکز بر خدمات را برای خود قرار داده است. نکته مهم دیگری که در این الگو وجود دارد میزان تقاضایی است که بدون محدودیت و البته روز افزون و در بسیاری از موارد خارج از مرزها در اختیار هند قرار می‌گیرد. هند با بکارگیری سیاست‌های اقتصاد دانش پایه توانست بسیاری از محدودیت‌های تحمیلی بین‌المللی را کنار زده و محصولات خود را عرصه بین‌المللی نقش آفرینی کند. هند توانست خود را به عنوان یکی از قطب‌های اقتصادی حاضر و قدرت‌های اقتصادی نوظهور به دنیا معرفی کند. هند در سال‌های اخیر از نظر صنعت و کشاورزی به پیشرفت‌های قابل توجهی نائل شده و در بهره‌برداری از انرژی اتمی و خورشیدی پیشرفت‌های قابل توجهی داشته است.

توسعه‌ی روستایی و قوانین مرتبط با آن: علیرغم وجود شهرهای بزرگ، هنوز هم این کشور عمدتاً یک کشور روستایی به شمار می‌آید. نزدیک ۵۰ درصد مردم هند در فقر به سر می‌برند که اکثر این فقر را کارگران بدون زمین یا خرده کشاورزان تشکیل می‌دهند. در حدود ۳۰۵ میلیون نفر در زیر خط فقر زندگی می‌کنند، همچنین ۶۵۰ میلیون نفر از جمعیت هند در روستاها به سر می‌برند. از همین روست که توسعه اقتصادی هند با توسعه روستایی یا به عبارتی توسعه کشاورزی عجین گشته است. در واقع کشاورزی را می‌توان پایه اقتصاد ملی این کشور به حساب آورد. هدف عمده از

توسعه اقتصادی هند ریشه کن سازی فقر است. افزایش توان تولید کشاورزان، نوسازی جامعه روستایی، افزایش اشتغال بویژه در بخش غیرکشاورزی، افزایش و درآمد روستائیان و تامین امکانات اولیه از جمله غذا، مسکن، آموزش و بهداشت از برنامه های عمده توسعه روستایی در هند است. برنامه های متنوع و گسترده ای که از سال ۱۹۷۵ در این کشور به مرحله اجرا درآمده، تاثیر زیادی در توسعه روستایی این کشور داشته است. توسعه روستایی یکپارچه، از سال ۱۹۷۵ در هند مورد توجه و تاکید قرار گرفت و طرح های عمده در این راستا به مرحله اجرا گذاشته شد.

هدف از اجرای این طرح ها، تقویت زیرساخت های عمده اقتصادی - اجتماعی در نواحی روستایی و کاهش فقر و محرومیت در این کشور بود. این برنامه ها چند هدف بلند مدت زیر را دنبال می کرد:

(۱) افزایش تولید و بهره وری در بخش کشاورزی و بخش های وابسته به آن.

(۲) افزایش سطح درآمد روستائیان.

(۳) ارتقاء سطح مهارت ها و توانمندی های روستائیان.

(۴) تخصیص اعتبارات لازم برای اجرای برنامه های عمرانی و توسعه روستایی.

(۵) ایجاد فرصت های شغلی جدید.

(۶) تأمین حداقل نیازهای معیشتی روستائیان.

(۷) بهره برداری بهینه از منابع محلی

برنامه توسعه روستایی یکپارچه: از مهمترین برنامه هایی بود که در سال های ۱۹۷۸ و ۱۹۷۹ به اجرا درآمد. هدف

از اجرای این برنامه، حمایت از ۱۵ میلیون خانوار زیر فقر در روستاهای هند برای یک درآمد قابل قبول بود. سرمایه لازم برای اجرای این طرح از سوی دولت مرکزی و دولت های محلی هند تأمین می شود. نخستین گام در این برنامه، شناسایی

فقرترین افراد روستایی در این کشور بود. برنامه ها و طرح های متنوع و متعددی برای یاری رسانی به روستائیان به مرحله

اجرا گذاشته شد. این برنامه ها برای هر خانوار از یکسو بر حسب استعدادها و توانائی ها و نیز شرایط اقتصادی آن و از

سوی دیگر با توجه به امکانات موجود محلی انتخاب می شد. این برنامه ها با مشارکت مالی مؤسسات اعتباری به اجرا در

می آمد و برای اجرای سریع تر و موثرتر این برنامه، «شوراهای توسعه روستایی» در همه بخش های کشور ایجاد شد.

همکاری سازمان های داوطلب و برخی از شرکت های صنعتی و تولیدی نیز تاثیر عمده ای در اجرای موفقیت آمیز این

طرح داشت. این سازمان ها چند وظیفه عمده زیر را در توسعه روستایی برعهده داشتند:

- الف) بررسی ویژگی های اقتصادی و اجتماعی منطقه به منظور برآورد پتانسیل های توسعه روستایی.
- ب) ایجاد هماهنگی و ارتباط موثر میان نهادهای مختلف روستایی.
- ج) ارائه اطلاعات و دانش لازم برای توسعه صنایع روستایی

برنامه توسعه‌ی نواحی در معرض خشکسالی: هدف این برنامه، ایجاد فرصت‌های شغلی برای روستائیان بود که در مناطق مستعد خشکسالی زندگی می‌کردند. انتخاب این مناطق بر اساس معیارهایی همچون میزان بارندگی، دوره زمانی کاهش محصولات و سابقه کاهش باران در سال‌های گذشته تعیین می‌شد. در ابتدا در قال این طرح روستائیان به فعالیت‌هایی همچون توسعه آبیاری، محافظت از خاک، جنگل کاری و جاده سازی می‌پرداختند، در مراحل بعدی اجرای این طرح ایجاد اشتغال در حوزه‌هایی همچون دامداری و ماهیگیری نیز مورد توجه و تاکید قرار گرفت.

برنامه توسعه در نواحی بیابانی: این برنامه مناطق سردسیر و گرمسیر کشور را تحت پوشش قرار می‌دهد. هدف عمده این برنامه، توسعه یکپارچگی نواحی بیابانی به کمک افزایش باروری زمین، افزایش سطح درآمد و توسعه فرصت‌های شغلی جدید برای ساکنان این نواحی است. بهره‌برداری بهینه از منابع فیزیکی و زیست محیطی و نیروی انسانی ماهر، بخشی از اهداف دست اندرکاران این برنامه است.

برنامه توسعه‌ی کشاورزی: برنامه‌های توسعه کشاورزی، از عمده‌ترین برنامه‌های توسعه روستایی هند است. مؤسسه تحقیقات کشاورزی هند، از نهادهای عمده دولتی است که گام‌های مؤثری در جهت توسعه کشاورزی این کشور برداشته است، مرکز این سازمان در دهلی و نه مرکز وابسته به آن در سراسر هند مستقر شده‌اند. فعالیتهای عمده این مؤسسه عبارتند از:

- مدیریت منابع آب.
- تحقیق در زمینه خواص فیزیکی، شیمیایی، کانی شناسی و زیستی خاک‌ها و کودها به منظور بهبود حاصلخیزی خاک‌ها.
- بررسی درجه حرارت و ساختار خاک.
- توسعه فناوری‌های مناسب به منظور کمک به فرایند تثبیت نیتروژن.
- بررسی امکان استفاده از ضایعات کشاورزی و صنعتی به عنوان کود.

توسعه ی صنایع کوچک و دستی و سیاست های مرتبط با آن:

در هند توسعه صنایع دستی و خانگی از دوران گاندی، به منظور حمایت از قشرهای ضعیف‌تر جامعه، مورد تأکید قرار گرفت و دولت تلاش کرد تا از طریق آن از کارگران صنایع دستی، زنان روستایی و بافندگان به عنوان قشر فقیر جامعه حمایت نماید. از نظر اقتصاددانان هندی، چون این صنایع نیاز به سرمایه کمتری دارند و با صرف هزینه‌های کم به‌طور بالقوه توانایی ایجاد مشاغل متعدد را دارند، بنابراین می‌توانند نقش حیاتی را در توسعه اقتصادی هند بویژه در ایجاد فرصت‌های شغلی جدید در کشوری که میلیون‌ها نفر بیکار در آن وجود دارد ایفا کنند. دولت هند همچنین به منظور حمایت از صنایع کوچک و جلوگیری از ورشکستگی آن‌ها، بانک‌ها و مؤسسات مالی را موظف ساخت به صنایع کوچک و متوسط جهت تأمین مالی پروژه‌های جدید و گسترش درون‌سازی و یا تأمین مالی مجدد پروژه‌های موجود، وام پرداخت نمایند. همچنین دولت موظف شد امنیت، معیشت زمان بیکاری، پیری و بیماری شهروندان را نیز تأمین نماید. از سیاست‌های تأثیرگذار در توسعه صنایع کوچک و دستی می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- تأسیس شورای ترویج و ارتقاء صادرات صنایع دستی.
- یکی دیگر از کارهای مهمی که هند در این زمینه انجام داده برگزاری دوره های ۳ ماهه و دادن گواهینامه برای موفقیت در صادرات صنایع دستی و تجارت داخلی این محصولات بوده است.
- توسعه‌ی بنگاه‌های کوچک و متوسط و قوانین مرتبط با آن.
- رویکرد سازمانی و نهادی سیاستگذاران حوزه بنگاه‌های کوچک و متوسط هند اهمیت خاصی دارد و در بالاترین سطح، وزارت توسعه بنگاه‌های خرد، کوچک و متوسط، یکی از ۵۰ وزارتخانه دولتی هند، قوانین و برنامه‌های لازم را با هدف حمایت‌های مالی، فنآوری و بازاریابی محصولات اتخاذ و اجرا می‌کند. دولت هند تاکنون اقدامات مختلفی را در راستای ارتقای رقابت‌پذیری صنایع کوچک و متوسط ترتیب داده که از آن جمله می‌توان به قانون توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط اشاره نمود. علاوه بر این دولت هند طرح رقابت‌پذیری صنایع کارخانه‌ای حاوی ۱۰ جزء ذیل که در قالب همکاری مشترک بخش خصوصی و دولتی اجرا می‌شود را طراحی کرده است.
- جزء اول این طرح عبارت است از ارائه پشتیبانی بازاریابی به صنایع کوچک و متوسط که هدف آن همگانی کردن ثبت بارکد و ترغیب صنایع کوچک و متوسط به اخذ گواهی بارکد و فروش محصولات در بازارهای جهانی و بهره‌جستن از قیمت‌های بالاتر صادراتی است.
- افزایش آگاهی نسبت به حقوق مالکیت فکری نیز با هدف ایجاد موقعیت مناسب برای صنایع کوچک و متوسط در عرصه جهانی و استفاده صحیح از ابزارهای حقوق مالکیت فکری.
- توسعه کارآفرینی و مدیریت صنایع کوچک و متوسط از طریق انکوباتورها در حوزه‌های فنآوری، محصولات و فرآیند تولید که امکان تجاری‌سازی آن در یک بازه یکساله وجود داشته، اجرا شده و مبلغ ۶۲۵ هزار روپیه به هر طرح جدید اختصاص می‌یابد.
- در چارچوب طرح رقابت‌پذیری صنایع کارخانه‌ای، دولت جزء افزایش رقابت‌پذیری صنایع کارخانه‌ای از طریق استاندارد مدیریت کیفیت^۱ را با هدف ارتقاء بهره‌وری صنایع کوچک و متوسط اجرا می‌کند.
- اتاق ابزار تحت همکاری مشترک دولت-بخش خصوصی نیز در برنامه یازدهم توسعه هند با هدف تأمین بازار، تجهیزات، ابزار دقیق و سایر آیتم‌های مورد نیاز یک واحد تولیدی و تأمین واردات آن اجرا می‌شود.
- جزء ششم تحت عنوان برنامه رقابت‌پذیری صنایع کارخانه‌ای ناب و با هدف کاهش هزینه‌های تولید از طریق مدیریت صنایع منابع انسانی، استفاده مناسب از فضای موجود، مدیریت علمی انبار و کاهش زمان مهندسی به اجرا درآمد.
- ارتقاء ابزارهای فنآوری اطلاعات و ارتباطات با هدف شناسایی خوشه‌های صنایع کوچک و متوسط با پتانسیل تولید با کیفیت و صادرات و حمایت از آنها در بهره‌گیری از نرم افزارهای مرتبط برای افزایش رقابت‌پذیری در بازارهای داخلی و جهانی طراحی شده است.

- علاوه بر این، برنامه ایجاد کلینیک‌های طراحی برای صنایع کوچک و متوسط، درصدد همگام ساختن صنایع کوچک و متوسط و متخصصان حوزه طراحی به منظور ارائه مشاوره و راهکارهای فنی برای حل مشکلات طراحی و همچنین ایجاد ارزش افزوده در محصولات کنونی است.
- به‌روزرسانی فناوری و کیفیت، نیز باهدف به روز رسانی فناوری‌های موجود و استفاده از فناوری‌های مصرف بهینه انرژی اجرا شده و سعی دارد علاوه بر کاهش نشر گازهای گلخانه‌ای، نیز هزینه تولید را به حداقل برساند.

توسعه‌ی انسانی و سیاست‌های مرتبط با آن

هند در برنامه هشتم توسعه اقتصادی (۱۹۹۷ - ۱۹۹۲)، توسعه انسانی را محور هر نوع توسعه‌ی دیگر معرفی نمود. به همین دلیل آموزش و پرورش نیروی کار ماهر و تحصیل کرده را جزو اهداف اساسی برنامه‌های توسعه‌ی اقتصادی خود قرار داد. بدین منظور نهادهای مختلفی تاسیس شد که تحت نظر دولت عمل کردند. از جمله نهادهای مذکور می‌توان به مؤسساتی مانند مؤسسه‌ی ملی توسعه‌ی کارآفرین و کسب و کارهای کوچک که در سطح ایالتی فعالیت می‌کردند و یا موسسه‌ی ارائه دهنده خدمات به صنایع کوچک که در سطح ملی به فعالیت می‌پرداختند، اشاره نمود. همچنین این کشور با استفاده از مراکز آموزش عالی و پیشرفته‌ی خود موفق شده است، ارتباطات گسترده‌ای با مراکز علمی و دانشگاه‌های معتبر جهان برقرار کرده و جمعیت قابل توجهی از نیروی کار ماهر در زمینه تکنولوژی و فناوری اطلاعات را تربیت نماید. یکی از مهمترین و با ارزشترین پیشرفت‌های هند در زمینه‌ی پرورش نیروی کار ماهر و تحصیل کرده، موفقیت در زمینه فناوری اطلاعات است. دولت هند از طریق ایجاد پارک‌های فناوری، مناطق اقتصادی ویژه و ارائه کمک‌های مالی و تسهیلات کم بهره، باعث رشد و توسعه‌ی این صنعت شده است و باعث شده است که این کشور در زمینه مهندسی نرم‌افزار و خدمات مبتنی بر وب توان رقابت در بازارهای جهانی را داشته باشد. بر اساس آمار، ارزش صنعت نرم‌افزار هند در سال ۱۹۹۲ - ۱۹۹۱ حدود ۱۵۰ میلیون دلار آمریکا بوده است که این مبلغ در سال ۲۰۰۰ - ۱۹۹۹ به ۵/۷ میلیارد دلار و در سال ۲۰۰۸ به بیش از این مبالغ افزایش یافته است. همچنین شرکت‌های نرم‌افزاری هندی خدمات وسیعی را به شرکت‌های بین‌المللی ارائه می‌دهند که از جمله‌ی این خدمات، می‌توان به کدنویسی برای نرم‌افزار، مدیریت شبکه‌های رایانه‌ای، مدیریت عملیات پشتیبانی و پردازش اطلاعات مالی اشاره نمود. علاوه بر این، هند در زمینه‌ی های علمی دیگری مانند بیوتکنولوژی، داروسازی و فناوری‌های مربوط به امور زیست محیطی و همچنین در بخش کشاورزی و بهبود وضعیت تولید محصولات کشاورزی رشد و پیشرفت چشمگیر و قابل توجهی داشته است.

تجارت خارجی هند و قوانین مرتبط با آن

سیاستمداران هندی پس از استقلال از پادشاهی بریتانیا در سال ۱۹۴۷ به دلیل بدبینی که نسبت به امپریالیسم و استعمار داشتند، به تقلید از سیاست‌های سوسیالیستی و کمونیستی در شوروی سابق سعی کردند به طور محض به توانایی‌ها و استعدادهای داخلی خود اکتفا کرده و ارتباط خود را با کشورهای دیگر تا حد زیادی محدود کنند. تا اوایل دهه‌ی ۹۰ اقتصاد هند یک اقتصاد بسته تلقی می‌شد. سرمایه‌گذاری خارجی به میزان زیادی تقلیل یافت؛ تعرفه‌های شدید بر واردات وضع شد و همچنین صادرات به مقدار بسیار ناچیز صورت می‌گرفت که همه این موارد شرایط اقتصادی کشور را به گونه‌ای رقم زد که در این سال‌ها کشور با افزایش میزان فقر روبرو شد. بعدها به واسطه‌ی اصلاحات سیاست‌های تجاری و وضع قوانین در دهه‌ی ۹۰ و همچنین سیاست‌های اقتصاد آزاد شرایط به سمت مساعدتری پیش رفت. این سیاست‌ها شامل موارد روبرو هستند: از بین بردن تعرفه‌های سنگین بر واردات، کاهش کنترل دولت بر تجارت و سرمایه‌گذاری

خارجی، تمرکز بر زیر ساخت های اجتماعی و اقتصادی، توجه به پس انداز و سرمایه گذاری داخلی، اهمیت به تولید در بخش کشاورزی، صنعت و خدمات و افزایش رقابت در صنایع مختلف.

بررسی روند ابزارهای حمایتی و مشوق های صادراتی در راستای حمایت از تولید پایدار و سرمایه گذاری داخلی

آنچه تحت عنوان بسته سیاستی توسعه صادرات، حمایت از سرمایه گذاری و بالتبع آن رشد اقتصادی در کشورهای مختلف با اولویت های متفاوت جهت حمایت، تشویق و توسعه صادرات استفاده می شود، مشتمل بر سیاست های تجاری، مالیاتی، گمرکی، ارزی، اعتباری، بیمه، ایجاد مناطق آزاد، جلب و جذب سرمایه گذاری خارجی، منطقه گرایی و سیاست های زیر ساختی و پشتیبانی کننده تجارت است. الزامات، بسترها و زمینه های لازم برای توسعه صادرات از چهار جنبه شامل موارد زیر است که در دستور کار دولت ها قرار می گیرد:

- ایجاد انگیزه برای صادرات.
 - کاهش هزینه تولید صنعتی برای صادرات.
 - ارتقای قابلیت رقابت بین المللی.
 - ایجاد محیط امن برای فعالیت های صادراتی.
- از مهمترین مشوق هایی که کشور هندوستان در دو دهه ی اخیر برای توسعه صادرات خود بکار برده و اغلب آن هنوز ادامه دارد نیز عبارتند از:
۱. معافیت کامل درآمدهای صادراتی از پرداخت مالیات.
 ۲. پشتیبانی از صادرات صنایع کوچک و متوسط.
 ۳. اعطای تسهیلات اعتباری به پول ملی (روپیه) و ارزهای معتبر با سود نازل به صادر کنندگان.
 ۴. تضمین اعتبارات صادراتی و تحت پوشش قرار دادن خطرات ناشی از صادرات توسط بنگاه تضمین اعتبارات صادراتی هند.
 ۵. واگذاری ۶۰ درصد ارزهای صادراتی به صادر کنندگان و عدم الزام به فروش آن به شبکه بانکی.
 ۶. ایجاد بیش از ۶ منطقه پردازش صادرات در نقاط مختلف کشور و اعطای امتیازات خاص به آنها.
 ۷. بازپرداخت حقوقی گمرکی مواد اولیه، قطعات و تجهیزات وارداتی بکار رفته در ساخت کالاهای صادراتی.
 ۸. در کشور هندوستان پارک های الکترونیک یا پارک های فناوری نرم افزار از پرداخت مالیات و تعرفه گمرکی و عوارض گوناگون معاف هستند.
 ۹. به واحدهای صادراتی، پروانه های خاصی برای ورود کالا بدون پرداخت حقوق گمرکی اعطاء می شود.
 ۱۰. هر فرد حقیقی یا حقوقی که ماشین آلات صنعتی را بدون پرداخت حقوق گمرکی و عوارض متعلقه از خارج وارد کند، باید متعهد شود که شش برابر ارزش آن، کالا یا محصول تولید شده به خارج صادر نماید.

مناطق آزاد تجاری: چندین منطقه آزاد تجاری در مکان‌های مختلف هند تأسیس شده است. برای کالاهای صادراتی ساخته شده در این مناطق هیچ گونه عوارض گمرکی پرداخت نمی‌شود. کالاهای آورده شده در این مناطق از دیگر قسمت‌های هند بدون پرداخت عوارض صورت می‌گیرد. به همین نحو هیچ گونه عوارض گمرکی به مواد خام وارداتی و اجزاء بکار رفته در کالاهای ساخته شده صادراتی تعلق نمی‌گیرد. نظر به اینکه ممکن است فروش تمام قطعات تولیدی این مناطق در خارج از هند همیشه مقدور نباشد، به همین خاطر امکان فروش ۲۵ درصد از این تولیدات در داخل کشور نیز فراهم شده است.

کمک‌های دولت در زمینه بازاریابی: علاوه بر سیاست مالی دولت در جهت گسترش صادرات هند اقداماتی نیز در جهت بازاریابی محصولات، خصوصاً تولیدات صنعتی و شناساندن بیشتر آنها در بازارهای جهانی از جانب دولت به عمل آمده است. با توجه به عدم اطمینان از میزان سودآوری و نیز تأثیرات خارجی این گونه تولیدات صنعتی، صادرکنندگان به تنهایی مایل به سرمایه‌گذاری در امر گردآوری اطلاعات و امر بازاریابی نیستند و به همین لحاظ بدیهی است که دولت در اینگونه امور در قالب حمایت‌های ذیل به صادرکنندگان کمک می‌نماید.

- تخفیف در نرخ حمل و نقل راه آهن.
- یارانه‌های مربوط به نهاده‌ها.
- تأمین مواد اولیه داخلی مورد نیاز.
- صنایع صادراتی به قیمت‌های جهانی.
- واحدهای صد در صد صادرات‌گر.
- پارک سخت افزار تکنولوژی الکترونیکی و پارک‌های فناوری نرم افزاری.
- طرح حق معافیت از عوارض / گواهینامه و جوازهای از قبل داده شده.
- طرح کالاهای سرمایه‌ای مشوق صادرات.

طرح حق معافیت از عوارض (DEE) گواهینامه و جوازهای از قبل داده شده: بر طبق این طرح واردات مواد اولیه و دیگر قطعات برای استفاده در کالاهای صادراتی بدون پرداخت حقوق گمرکی، با ارائه جواز و گواهینامه که از قبل داده شده می‌تواند صورت بگیرد. چنین مجوزی ممکن است یا بر مبنای مقدار باشد یا بر مبنای ارزش. واردات می‌تواند بر اساس آخرین مقدار یا ارزش مشخص شده در مجوز واردات آزاد مواد تعیین شده انجام شود. این مجوزهای قابل انتقال در بازار آزاد معامله می‌شوند. بر این مبنا یک سازنده داخلی می‌تواند محصولات واسطه‌ای را به صادرکننده نهایی بفروشد بدون اینکه عوارض گمرکی پرداخت کند.

طرح کالاهای سرمایه‌ای مشوق صادراتی (EPCG): بنابراین طرح، یک سازنده داخلی می‌تواند، ماشین‌آلات و تجهیزات وارداتی را بدون پرداخت حقوق گمرکی و یا باز پرداخت بخشی از حقوق گمرکی انجام دهد. به هر حال او باید متعهد به صدور کالا شود.

نتیجه گیری

در این پژوهش تلاش شد تا مبانی و ساختار اقتصاد سیاسی هند و چگونگی دستیابی این کشور به رشد و توسعه چشمگیر اقتصادی و رفع معضل بیکاری بویژه از دهه‌ی ۹۰ به بعد مورد بررسی قرار گیرد. براساس یافته‌های موجود، دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی یکی از مهمترین اهداف و دغدغه‌های سیاستمداران و دولتمردان هندی از زمان استقلال این کشور بوده است. دولت هند از دهه‌ی ۵۰ با برنامه ریزی‌های گسترده تلاش نمود تا از طریق خودکفایی اقتصادی به هدف مورد نظر دست یابد؛ اما این تلاش‌ها تا دهه‌ی ۹۰ به نتیجه‌ی مطلوب منجر نگردید. پس از دهه‌ی ۹۰، با تحولات گسترده و بنیادینی که دولت هند در استراتژی‌های توسعه‌ی سیاسی و اقتصادی خود ایجاد نمود، توانست به اهداف اقتصادی مورد نظر خود دست یابد. عامل اصلی بروز این موفقیت‌ها را می‌توان در ایجاد تغییر و تحولاتی در سیاست‌های داخلی و خارجی هند، مورد اشاره قرار داد. در سیاست داخلی، پس از اصلاحات دهه‌ی ۹۰، کیفیت دخالت دولت در امور اقتصادی متحول شد؛ دولت به جای توجه به توسعه‌ی یک جانبه و ترتیبی، توسعه‌ی همه جانبه بویژه توسعه‌ی انسانی و آموزش نیروی کار ماهر و تحصیل کرده را به عنوان سرمایه‌های اجتماعی و انسانی مورد توجه و تاکید قرار داد. همچنین با تقویت بخش خصوصی و حمایت مالی از این بخش، امکان حضور و فعالیت گسترده‌ی سرمایه-گذاران بخش خصوصی را در عرصه‌های مختلف اقتصادی فراهم نمود و خود نقش حامی و هدایتگر را بر عهده گرفت. از این پس دولت تنها در بخش صنایع سنگین و امور زیربنایی که نیاز به سرمایه‌ی فراوان داشت، دخالت می‌نمود. همچنین با تغییر قوانین، ایجاد شفافیت در قوانین مربوط به مالکیت، تصویب قوانین مربوط به افزایش درصد سرمایه-گذاری خارجی در امور اقتصادی هند و ایجاد فضای با ثبات اقتصادی و سیاسی ضمن کاهش ریسک سرمایه‌گذاری خارجی، بستر مناسبی برای سرمایه‌گذاران خارجی و فعال شدن سرمایه‌های آنان در کشور فراهم گردید که این امر باعث افزایش چشمگیر سرمایه‌گذاری خارجی در هند و به تبع آن شکوفایی و رونق اقتصادی این کشور شد. در سیاست خارجی، دولت هند با کنار گذاشتن سیاست عدم تعهد و اتخاذ سیاست رئالیسم، ضمن پذیرش اصول و قواعد حاکم بر نظام بین الملل، ارتقاء منافع ملی خود را در رأس اهداف و برنامه‌های سیاست خارجی خویش قرار داد. بر این اساس، هند با اتخاذ سیاست حسن همجواری با همسایگان خود، ثبات و امنیت را در منطقه‌ی نفوذ خویش ایجاد نمود و هم زمان با هر کشوری که توانایی و امکان تامین منافع سیاسی و اقتصادی هند را داشت، ارتباط برقرار نمود. به‌دین وسیله هند توانست تکنولوژی و سرمایه‌ی مورد نظر خود را برای توسعه و تحول اقتصادی لازم فراهم نماید. از جمله مهمترین شرکای تجاری هند می‌توان به آمریکا و اسرائیل اشاره نمود. اسرائیل ضمن کمک‌های قابل توجه نظامی به هند به هسته-ای شدن این کشور کمک نمود و آمریکا به عمده‌ترین سرمایه‌گذار اقتصادی در هند به‌ویژه در بخش صنعت و فناوری اطلاعات تبدیل شده است. بررسی و مطالعه‌ی تجربه‌ی کشور هند، نشان می‌دهد که صرف اتکا به توانایی‌ها و امکانات داخلی و بستن درهای کشور بر روی سرمایه‌ی خارجی نمی‌تواند زمینه‌ساز توسعه و رشد اقتصادی یک کشور باشد؛ بلکه برای دستیابی به توسعه و رشد اقتصادی، ضمن توجه به منابع داخلی و توسعه‌ی همه جانبه، می‌توان با اتخاذ یک سیاست خارجی فعال و تنش‌زدا، حمایت اقتصادی و سیاسی کشورهای قدرتمند را به منظور دستیابی به سرمایه و تکنولوژی برتر به دست آورد و یا حداقل از خصومت و ممانعت آنان در مسیر رشد و توسعه اقتصادی، جلوگیری به عمل آورد. این امر زمانی امکان‌پذیر است که دولت‌ها، سیاست خارجی واقع‌گرایانه‌ای را به دور از جنجال و هیاهو و تنش آفرینی و بر پایه‌ی ارتقاء منافع ملی خود اتخاذ نمایند. یکی از مواردی که مهم بود و کمک شایانی به توسعه اقتصادی و فائق آمدن

بر مشکل بیکاری کمک شایانی نموده است حمایت از صنایع نرم افزاری می باشد. دولت با ترکیبی از سیاست‌های مداخله گرایانه در اقتصاد و آزادسازی اقتصادی توانسته است صنایع نرم‌افزار را متأثر نکند. به عنوان مثال از طریق سیاست واردات سخت افزار توسعه صنایع نرم افزار داخلی را تشویق کرده است و یا با اعطای معافیت‌های مالیاتی و بیمه مشتریان نرم افزار توانسته است سودآوری واحدهای نرم افزاری داخلی را افزایش دهد. صنایع نرم‌افزاری با بهره‌گیری از مزیت‌های نسبی موجود در این کشور از قبیل نیروی انسانی تحصیل کرده با تجربه و انگلیسی زبان، شرایط مناسبی برای رشد یافته است؛ ظرفیت فن آوری هند از طریق سرمایه گذاری‌های عمومی و مؤسسات تحقیق و توسعه تقویت شده است. با توجه به اینکه صنایع نرم‌افزار همواره در حال گسترش و پویایی بوده، زمینه لازم برای بروز خلاقیت‌ها و نوآوری‌های فنی را ایجاد کرده است. تعدادی از مؤسسات نرم‌افزاری هند به لحاظ توانایی‌های فنی و علمی در حد مؤسسات کشورهای پیشرفته قرار گرفته‌اند. این عوامل زمینه لازم برای انتقال و جذب فن آوری‌های نو را فراهم کرده و همچنین به درون‌زا کردن فناوری در داخل کشور کمک کرده است. ایجاد اشتغال مستقیم و غیرمستقیم، از منافع توسعه صنایع نرم‌افزار است که از شدت بیکاری تحصیل کرده‌ها کاسته و مشاغل جدید و نوین در سطح اقتصاد ملی ایجاد کرده است.

در واقع بحث آخر از آنجا که موضوع این مقاله در رابطه با سیاست گذاری اشتغال و حمایت از سرمایه‌گذاری داخلی در جمهوری اسلامی ایران و جمهوری هند می باشد و چنانچه به نظر می‌رسد تحلیل عوامل توسعه با تمرکز بر نقش سیاستمداران، تصمیم گیران و مدیریت آن و رویکردهای اجرایی و قوانین موجود در این زمینه راه‌های دستیابی به آن، تصمیم‌گیری و خط مشی گذاری آن را بسیار حائز اهمیت می‌نماید. به نظر می‌رسد مسئله اشتغال و سرمایه‌گذاری در کشورهای صنعتی که از مدیریت و اقتصاد و قوانین به روز و کارآمد برخوردار بوده رخت بر بسته و نسبت به کشورهای در حال توسعه با معضل کمتری روبرو می‌باشند.

منابع و مآخذ:

- (۱) آرائی نژاد، فتحی، فاطمه مهدی پور، شناخت بازار هند و راه‌های دستیابی به آن، ۱۳۸۱، جلد شومیز، چاپ ۱، تهران، نشر موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- (۲) اکبریان، رضا و علی قائدی، سرمایه گذاری در زیر ساخت‌های اقتصادی و بررسی تاثیر آن بر رشد اقتصادی، ۱۳۹۰، شماره ۳، تهران، فصلنامه پژوهش و رشد و توسعه اقتصادی.
- (۳) ابراهیم، محمد ابولفضل، شرح نهج البلاغه، ۱۳۷۸، قم، انتشارات اسماعیلیان.
- (۴) اشمیتوف، کلایو. ام، حقوق تجارت بین الملل، ۱۳۹۶، ترجمه دکتر بهروز اخلاقی و همکاران، چاپ ششم، تهران، انتشارات سمت.
- (۵) بهادری جهرمی، علی فتاحی زعفرندی، الزامات حقوقی تحقیق کلی سیاستهای اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۵، جلد اول، چاپ اول، تهران، نشر پژوهش‌های عدالت.
- (۶) پاکدامن، رضا، رویکرد اجرایی و مبانی قانونی خصوصی سازی، ۱۳۸۸، جلد شومیز، تهران، نشر مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی ایران.
- (۷) تفضلی، فریدون، تاریخ عقاید اقتصادی، ۱۳۷۲، جلد شومیز، چاپ چهاردهم، تهران، نشر نی.
- (۸) حسنی، افسانه دباغی، صنایع نرم افزاری و توسعه اقتصادی؛ مطالعه موردی هندوستان، ۱۳۸۴، شماره ۱۵، تهران، مجله بررسی‌های بازرگانی.

- ۹) رضایی، مجید، جایگاه نهاد دولت در عرصه اقتصاد، ۱۳۸۳، شماره ۱۴، قم، فصلنامه اقتصادی اسلامی.
- ۱۰) سارما، سی، اچ، سیاست کشاورزی در هند، ۱۳۷۱، ترجمه عبدالوهاب سجادی، جلد شونیز، چاپ ۱، تهران، نشر جهاد سازندگی.
- ۱۱) طالش، علیرضا بید خوری، راهبردها و سیاست های توسعه پایدارروستائی درجنوب شرق آسیا (مطالعه موردی در کشورهای هند و چین و مالزی)، ۱۳۹۱، جلد شومیز، چاپ ۱، مشهد، نشر سخن گستر.
- ۱۲) طباطبایی یزدی، رویا، روش های اجرایی شدن سیاستهای کلی اصل ۴۴، ۱۳۸۷، تهران، انتشارات شادان.
- ۱۳) قلی پور، رحمت الله، تصمیم گیری سازمانی و خط مشی گذاری عمومی، ۱۳۸۹، تهران، انتشارات سمت.
- ۱۴) قانون اساسی هندوستان، ترجمه مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.
- ۱۵) کریمی پتانلار، سعید، خصوصی سازی، اندازه دولت و اشتغال در جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۳، شماره ۳، بابلسر، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی.
- ۱۶) مردیت، روبین، فیل و اردها، تحولات دو غول اقتصادی نو ظهور هند و چین، ۱۳۹۵، ترجمه غلامحسین خاتقایی، جلد شومیز، چاپ ۱، تهران، ناشر فرا.
- ۱۷) محمد مهدی، بهکش، اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن، ۱۳۸۹، جلد شومیز، چاپ ۵، تهران، نشر نی.
- ۱۹) میرزایی، علی گلستانی، تحلیل عوامل توسعه هند با تمرکز بر نقش تصمیم گیران، ۱۳۹۶، شماره ۲، فصلنامه سیاست خارجی، تهران.
- ۲۰) نوبخت، محمد باقر، پژوهش های راهبردی در توسعه اقتصادی ایران (۱) و (۳)، ۱۳۸۸، جلد گالینگور، چاپ ۲، تهران، ناشر مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- ۲۱) واکی، آنتونو، تاریخ نوین هند، ۱۳۶۱، ترجمه پرویز علوی، چاپ اول، تهران، نشر بین الملل.
- 1) <http://w.w.w.mol.go.jp/English/outline>, Development of Employment Measures Towards Realization Stable Working Life, Realization of Meaningful Secure Employment for Workers and Promoting The Employment of older Persons
- 2) <http://tsd.cbi.ir>
- 1) Ahluwalia, M.S. (2002). Economic Reforms in India since 1991: Has Gradualism worked?, Journal of Economic Perspective, 16.
- 2) Brown, Robert L. (2007)., The concise Guide to Mergers, Acquisitions and Divestitures, (Pal-grave Macmillan, New York).
- 3) Chadha, R. (1997)., Trade and Reform in India, University of Michigan Press.
- 4) Foster, J.B. (2002). Ecology against Capitalism, New York, Monthly Review Press.